

نوروزتان پیروز

زمان تحویل سال ۱۳۷۲

روز شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۷۱ برابر با ۲۰ مارس ۱۹۹۳
به وقت ایران: در ساعت ۱۸ و ۱۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه

به وقت ترکیه: در ساعت ۱۶ و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه
به وقت پاکستان: در ساعت ۱۹ و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه
به وقت اروپای غربی و مرکزی: در ساعت ۱۵ و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه
به وقت انگلستان: در ساعت ۱۴ و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه
به وقت روسیه: در ساعت ۱۷ و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه
به وقت شرق آمریکا و کانادا: در ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه
به وقت غرب آمریکا و کانادا: در ساعت ۶ و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه

نوروز؛ یادگار پویای نیاکان و نماد چیرگی بر سکون و کهنگی

قرنهای قرنهارفت ای ممام
وین معانی برقرار و پزدوام

نوروز، زمان بازرایی و نوگشت طبیعت و جلوه گاه شکوفایی هستی است. پوسته ستبرافسردگی زمستان با فرا رسیدن نوروز می شکند، در ختان خفته در ماههای سوز و برف می شکند و هستی انسان و طبیعت از شادابی و سرزندگی سرشار می شود. نوروز برای نیاکان ما سرآغاز کار تازه بر روی زمین، نشانه دوری نوین از درآمیزی انسان و طبیعت بوده است. شوری نو و تلاشی جدید، و برای نوآوری، لاجرم نیک بنداری، تحکیم پیوندهای انسانی با آنان که گرد هم می آیند تا کار مشترک را پیش برند و هم از این رو، نیک کرداری؛ و نیاز این دو نیکی، گفتار نیک با مردمان، نوروز، همواره نماد فرا رسیدن فصل خیر و برکت، چیرگی بر سکون و پاسداران سیاهی، و خیز از دل کهنگی آزار دهنده به سوی تازگی بهاران بوده است. و نوروز، نشانه ماندگار از ناپایداری تباهی و پایداری هستی است.

از این سووم که بر طرف بوستان بگذشت
هجب که بوی گلی ماند و رنگ نسترنی
(حافظ)

گرچه در تاریخ ایران زندگی مردم از رهگذر تالانگریها و تبهکاریهای بدسگالان و زورمداران، مکرر در مکرر به تباهی و سیاهی گرایده است، اما مردم هیچگاه سنگر امید به فردا و باور به محو تباهی را رها نکرده اند، بزرگداشت نوروز جلوه ای آشکار از این امید و باور است. در واقع نه یورش اسکندر، نه تاخت تازیان، نه ایلغار مغول و نه ریای شاهان و جفای خلفان توانسته است نوروز را از خاطر و حافظه تاریخی ما ایرانیان بزداید، چرا که این روز نماد امیدها و آرمانهای مردم در دستیابی به صلح، آرامش و زندگی پربارتر بوده است. در واقع انسان ایرانی با جشن گرفتن نوروز، شکفتگی و بالندگی و زیبایی و شادکامی را می ستاید.

در ۱۴ سال گذشته نیز که حاکمان شادی ستیز پیوسته در تلاش برای اشاعه فرهنگ مرگ و فم پرستی بوده اند، بزرگداشت نوروز در ایران، از جنبه سنتی و آئینی فراتر رفته و به یکی از جلوه های پایداری و مقاومت در برابر فرهنگ کهنه پرستانه و هستی گریز فقهی حاکم بدل شده است. نوروز، سلاح ما ایرانیان در برابر ایرانی است از درون ایران که آفتی بس جانکاه تر از برما تاختگان از برون اند.

گرامی بداریم نوروز، این جشن فرخنده مردمی و میهنی را، با ترانه شور انگیز بهاران بر لب، عشق زیبایی طبیعت و انسان در دل و گام سازندگی در راه فردای بهتر.

و باشد که سال ۱۳۷۲ به سال نزدیکی بیشتر دستها و دلها و تلاش فزونتر در راه زدودن تباهی و تیرگی از گستره میهنمان بدل گردد و خورشید آزادی و بهروزی سرانجام بر بام ایران ما برسد، امید ما واقعی است و ما به امید زنده ایم.

چه چمچی خوش، از آن دور دست... می شنوی؟
به رقم آن همه کشته، به رقم آن همه مرگ
هنوز تفری خواناست در حوالی ما.

(منصور اوجی)

پیام نوروزی شورای مرکزی سازمان سال نو، عزم تازه

در صفحه ۳

فشارهای خارجی علیه رژیم ادامه دارد

● وزارت خارجه آمریکا: رژیم جمهوری اسلامی
خطرناک ترین رژیم حامی تروریسم است

● در حالیکه مسئله عراق در سیاست های کاخ سفید
هر روز بیشتر در حاشیه قرار می گیرد، فشار بر
جمهوری اسلامی تشدید می یابد

ماهما است که حکومت جمهوری اسلامی بطور فزاینده ای زیر فشار دولتهای غربی، مجامع بین المللی و انکار عمومی جهان است. نقض حقوق بشر در ایران، تروریسم افسار گسیخته دولتی، کوشش برای دستیابی به تجهیزات هسته ای و خریدهای گسترده تسلیحاتی، در کنار تلاش مستمر برای صدور بنیادگرایی اسلامی از جانب رژیم جمهوری اسلامی دلایل این فشارها بوده اند. در هفته های اخیر این فشارها حول فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده انگلیسی هندی تبار کتاب آیات شیطانی متمرکز بود. اخیرا و بدنبال انفجار در مرکز بازرگانی جهانی در نیویورک که ۵ کشته و صدها زخمی بجای گذاشت، حمایت

انفجار نیویورک را رد کرده اند. اهمیت بیانه اخیر وزارت خارجه آمریکا از آنجاست که با ورود کلیتون به کاخ سفید، چگونگی مناسبات دولت جدید آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی و اینکه این مناسبات در جهت تیره گی و تشنج بیشتر و یا کاهش تنش و عادی شدن پیش خواهد رفت، بار دیگر بطور حاد مطرح گردیده است. در حالیکه بسیاری بنابه سابق امر و راه و روش دمکراتها تشدید تشنج و مخاصمات در روابط تهران و واشینگتن را پیش بینی می کردند، بودند کسانی هم که احتمال گشایش باب گفتگو میان دو دولت را منتفی نمی دانستند. در این میان بویژه محافظی از حکومت اسلامی در اطراف هاشمی رفسنجانی بی میل نبودند که تغییرات در کاخ سفید به تحولی مثبت در روابط جمهوری اسلامی و آمریکا منجر شود. در چنین وضعی بیانه وزارت خارجه آمریکا در مورد پشتیبانی حکومت جمهوری اسلامی از دستهای تروریسم، قبل از آنکه به حادثه ادامه در صفحه ۳

سیلاب های بی سابقه در ۱۲ استان صدها هزار تن بی خانمان شده اند



سیل بی وقفه و ویرانگری که از اوایل بهمن ماه پهنه وسیعی از کشور را در بر گرفت، هنوز در برخی استانهای جنوبی کشور ادامه دارد. سیلابهای دو ماه گذشته از نظر ابعاد و میزان خسارات و تلفات یکی از کم نظیرترین بلایایی بود که میهن ما طی ده های اخیر با آن مواجه شد. گفته می شود میزان خسارات ناشی از سیلابهای اخیر با خسارات زلزله ویرانگر گیلان قابل مقایسه است.

ادامه در صفحه ۳

اعتراض گروهی از روحانیون به فشار علیه منتظری

حمله چمقاران و نیروهای انتظامی به خانه آیت الله منتظری و تهدید او به مرگ از سوی روزنامه های وابسته به رژیم، تشنج های تازه ای در حکومت و روحانیت پدید آورد. پس از انتشار خبر دستگیری منتظری، رادیو جمهوری اسلامی در ۲۸ بهمن ماه با پخش اعلامیه ای از قول منتظری، خبر دستگیری او را تکذیب کرد. مهندس احمد منتظری، فرزند آیت الله منتظری، با ارسال بیانیه ای به مطبوعات به اخبار پخش شده از سوی رادیو اعتراض کرد. این بیانیه در هیچ یک از روزنامه ها به چاپ نرسید. روز ۱۷ اسفند، روزنامه سلام ضمن اشاره به بیانیه فوق چند جمله ای را از آن نقل کرد. به گفته احمد منتظری، ادعای ادامه در صفحه ۲

محکومیت مجدد جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق بشر

چهارشنبه ۱۹ اسفند ماه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو بر اساس آخرین گزارش گالیندوپل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر، طی قطعنامه ای نسبت به ادامه نقض حقوق انسانی مردم ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی بشدت ابراز نگرانی کرد.

در آخرین گزارش گالیندوپل که در ۵۸ صفحه و دو هفته پیش

ادامه در صفحه ۴

در این شماره:

ایران در سال ۱۳۷۱

در صفحه ۶

عشق و اندیشه، امید و کار

در صفحه ۸

روسیه بیا خواهد خواست

در صفحه ۹

یادداشت کشمکش مجلس شور او شورای نگهبان بر سر "اراضی کشت موقت"

"طرح قانونی غیر قابل تجدید نظر بودن احکام صادره هیئت های هفت نفره و ستاد مرکزی آن در مورد اراضی کشت موقت در مراجع قضایی و ملفی شدن احکام صادره" بعد از چند بار دست بدست گشتن بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، سرانجام به مجمع تشخیص مصلحت نظام احاله شد. در اواخر ماه قبل مجلس شورای اسلامی تصویب کرد که دادگاهها و دیوان عدالت اداری حق ندارند هیچیک از احکامی را که هیئت های هفت نفره و ستاد مرکزی آن صادر کرده اند، لغو نمایند. شورای نگهبان این طرح را با ۹ اصل قانون اساسی مقایسه شناخته و برای اصلاح به مجلس عودت داد. طرح بار دیگر در مجلس مطرح گردید و همین مصوبه قبلی مجلس برای بیش از دو سوم نمایندگان به تصویب رسید. مطابق مصوبه "طرح به حکم ضرورت و بعنوان حکم ثانوی برای مدت ۱۵ سال اعتبار قانونی خواهد داشت." خواهد داشت. با وجود تصویب مجدد طرح در مجلس، شورای نگهبان بار دیگر آن را مقایسه با قانون اساسی شناخت و به مجلس برگرداند. به دنبال آن رئیس مجلس اعلام کرد بخاطر اینکه طرح دو بار از سوی شورای نگهبان برگردانده شده است، برای تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام احاله خواهد شد.

مسئله این اراضی به سالهای انقلاب بر میگردد. در آن سالها بخشی از دهقانان زمینی را که روی کار میگردیدند، مصادره نمودند. حکومت اسلامی نه مصادره و نه مالکیت دهقانان را برسمیت شناخت و نه قادر بود که زمین ها را باز پس گیرد. به همین خاطر، عنوان "اراضی کشت موقت" بر آنها نهاد و در شهریور ماه سال ۵۹ طی بخشنامه ای زمین های مورد نظر را "موقتاً به مدت یک سال بصورت اجاره یا مزارعه" به دهقانان واگذار کرد و در سال ۶۰ و ۶۱ هم همین بخشنامه را به مدت یک سال دیگر تمدید نمود. از سال ۶۲ به بعد خانها و فئودالها با کسب مجوز از دادگاههای انقلاب در معیت پاسداران حمله وسیعی را برای پس گرفتن زمین ها شروع کردند. اما دهقانان در مقابل این یورش ایستادند و حاضر نشدند زمین ها را پس بدهند. یکی از نمایندگان مجلس در آن سالها (۴ آبان سال ۶۵) اعتراض نمود: "عده زیادی از زارعین به زندان افتادند، شلاق خوردند، کتک خوردند، وضع بسیار ناخوش رو شد ولی یک متر زمین هم پس گرفته نشد". به دنبال آن، شورای عالی قضایی به ناچار طی بخشنامه ای از کلیه دادگاهها و دادرسیها خواست که در رابطه با این گونه اراضی دخالتی نکنند و حکمی صادر نکنند. قرار شد که وضع مالکیت این اراضی توسط مجلس شورا تعیین شود. طرحی در آبانماه سال ۶۵ در این زمینه به تصویب رسید که بر پایه آن: "کلیه اراضی بایر و دایر که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۵۹ در سراسر کشور و تا پایان سال ۶۳ در مناطق کردنشین در اختیار غیر مالک قرار گرفته و روی زمین کشت نموده اند (کشت موقت) به حکم ضرورت به کشاورزان منصرف که واجد شرایط زیر باشند: الف - بی زمین یا کم زمین ب - مهر در آمدی غیر از کشاورزی نداشته باشند ج - سابق محل باشند به

پیام نوروزی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سال نو، عزم تازه

دانشگاه به نمایش در می آید. سیاست های حاکم و حتی گاه ماهیت نظام ولایت فقیه در میان طیف های مختلف رژیم جمهوری اسلامی مورد انتقاد و اعتراض قرار دارد. مقابله رو به رشد افکار همومی جهانیان و دولت ها در برابر سیاست خارجی رژیم، از موجبات بروز اختلاف در میان دولتمردان جمهوری اسلامی و فلج شدن دیپلماسی رژیم است. صدای اعتراض جهانیان به نقض خشن حقوق بشر در ایران روز بروز رساتر می شود. رژیم بخاطر پایمال کردن حقوق انسانی شهروندان ایرانی در میهنان و خارج از ایران و حتی شهروندان کشورهای دیگر مدام محکوم می گردد. و اینها، جملگی هلاکمی روشن از این واقعیت هستند که حرکت رژیم در جهت انفراد و زوال، مدام سر همت می گیرد و نیز مالا دلیل آنست که می توان رژیم فوطه ور در بحران را به نیروی مبارزه و مقاومت در جمیع جهات و ادار به عقب نشینی کرد.

هم میهنان!
با آنکه در سال نو سخن از درد و رنج های پیش رو نارواست، معذرا مسئولیت سیاسی حکم می کند تا تاکید شود که متأسفانه چشم انداز اوضاع اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۲ همچنان تیره می نماید و تأثیرات آن بر زندگی اکثریت قاطع اهالی کشور بمراتب مخرب تر پیش بینی می شود. حکومتگران، بحران چاره ناپذیر در ساختار حکومتی و سیاست های مملکتی را نمی خوانند و نمی توانند بر پایه مصالح مردم و سوت کشور به سوی گشایشهای اقتصادی و سیاسی حل کنند. این ها، هشدارهای تازه و در همین حال تکراری به آن نیروهای سیاسی است که برنامه و اهداف خود را بر آزادی و دموکراسی، پیشرفت و تأمین عدالت اجتماعی قرار داده اند. مردم ما و نیروهای دموکرات و مترقی طرفدار مردم و مخالف حکومت، ناگزیر از بدست گرفتن ابتکار عمل در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور هستند. این پیام، سالجاست که پیام نوروزی و آغازین سال است ولی هر بار نیز باطنین بیشتری در آسمان میهنان به صدا در می آید. اراده برای شرکت موثر در سازماندهی مبارزه مردم آزادیخواه و مترقی علیه سیاست های رژیم، که در اشکال عیان و نهان و با خواسته ها و مطالبات گوناگون جریان دارد، تأثیر اساسی در سمت و شتاب تحولات سیاسی کشور خواهد گذاشت. این اراده را، نیروهای دموکرات باید نمایندگی کنند و سازماندهی انواع اتحادیه های خدمتگزار پیشرفت روند جنبش دموکراسی و مردمی را رسالت خود در سال نو ۱۳۷۲ قرار دهند.

هم میهنان
با دروهای نوروزی به شما و امید به کامیابی تان در مبارزه برای آزادی، توسعه و عدالت اجتماعی، بار دیگر فرار سیدن هید سعید نوروز را به شما تمنیت می گوئیم و آرزو می کنیم که به اتفاق، در سال تازه گام های بزرگی را در راهی از شریروهای جعل و زور و بیداد برداریم. سال نو بر شما مبارک باد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۵ اسفندماه ۱۳۷۱

هم میهنان!
فرار سیدن هید ملی و باستانی نوروز و شکوفایی دگر باره طبیعت را به شما تبریک می گوئیم و برای شما نوروز شاد آرزو می کنیم. باشد که این گرمی یادگار نیاکان را در شرایطی که مردم ایران همچنان از سیطره استبداد خشن رنج می برند، دهها میلیون ایرانی از درنداری به خود می پیچند و محنت بر جان انبوه جوانان و سالمندان کشورمان نشسته است، به پرچم شادی در برابر رژیم بدل کنیم که مردم را به فقر نشانده و همراه گریان و هوس می خواهد. با آرزوی آزادی از جور استبداد و گشایش به سوی پیشرفت و رفاه در میهنان، سال جدید ۱۳۷۲ را به استقبال روئیم.

در سالی که گذشت، با تأسف باید گفت که مردم جز مسکنت و فقر بیشتر، جز رنج بردن از استمرار ترور و استبداد حاکم، جز زیان دیدن از ماجراجویی های رژیم در سطح بین المللی که زمینه ساز توطئه های خطرناک خارجی علیه کشور ماست، نصیب دیگری نبردند. سال گذشته، اوضاع کشور تا آنجا که به عملکرد رژیم مربوط می شود در جمیع جهات وخامت بیشتری یافت. در این سال، ارتجاع حکومتی بیش از پیش میدان گرفت و ماجراجویی، شعارها و شعارها ارتجاعی، و فوفا سالاری جایگزین تلاشها و نیز ادعاهای مبتنی بر همزیستی تفاهم آمیز با کشورهای دیگر، "حکومت شعور" و "سازندگی" در کشور گردید. در سالی که گذشت یکبار دیگر و اینبار در مقیاسی گسترده تر، صراحت یافت که در شرایط حاکمیت فتنه، گشایش اساسی در راستای آزادی و پیشرفت منتفی است.

در سال گذشته اعتراضات مردم در قبال زور و اجحاف حکومتگران و فارتگران تحت الحمایه رژیم، شکل و دامنه تازه ای به خود گرفت و مطالبات مردم از رژیم، در شیراز و اراک، یوکان و بویژه مشهد به شورش های بزرگ ضد حکومتی منجر شد. مطالباتی که، مشابه آنها در سراسر کشور و در طول سال از سوی مردم مطرح بود؛ و شورش هایی که، در این شهرها سرکوب و در جاهای دیگر، سر بر تیاورده خفه شد. اما با اینهمه، در سال گذشته حکومتگران مجبور شدند عامل نارضایتی و تراکم خشم مردم را در بسیاری از محاسبات و تصمیمات خود وارد کنند و در مواردی حتی به عقب نشینی هایی دست بزنند.

هم میهنان!
رژیم حاکم اکنون بیش از پیش در موضع دفاعی قرار گرفته است. میاهوی فتنه های حاکم علیه "تفاهم فرهنگی"، بازتاب هراس آنان از تعرض تدریجی و گسترده فرهنگ ملی و مترقی جامعه به تحمیلات ارتجاعی حکومت است. دولت در برابر مقاومت زحمتکشان و خیل وسیع بیگاران مجبور به تعدیل هایی در سیاست گذاری اقتصادی خود شده است. رژیم زن ستیز، پس از چهارده سال زور و تحمیل به زنان همچنان خود را در برابر نیروی مقاومت زنان می یابد. مبارزه علیه ستم ملی در کردستان و در سطوحی پائین تر در دیگر مناطق کشور، پوشالی بودن تئوری "امت واحد" را بیش از پیش اثبات می کند. فضای دانشگاهها و مدارس به تدریج در حال تغییر است و تضعیف پایگاه رژیم در مدرسه و

ادامه از صفحه ۱
خبرگزاری جمهوری اسلامی در مورد مصاحبه با آیت الله منتظری دروغ بوده و مصاحبه با فرزند وی صورت گرفته و در تمام خبر مخابره شده حتی یک جمله صحیح نیز وجود نداشته است.

دفتر آیت الله منتظری در بیانیه ای به تاریخ ۲۸ بهمن جزئیات حمله به خانه وی را منتشر کرد. مطابق این بیانیه، آیت الله منتظری پس از پایان درس روز ۲۱ بهمن خود سخنانی پیرامون انقلاب اسلامی بیان کرد. وی ضمن اشاره به ماجرای کنار گذاشته شدنش از مقام خود گفته است: "چند نفر از افراد رده بالای اطلاعات به او گفته اند در آن شرایط ما را مجبور کردند تا به دروغ گواهی دهیم که بیت فلانی - آیت الله منتظری - در اختیار منافقین می باشد، و ما هم گواهی دادیم و اکنون ناراحت هستیم، ایشان سپس تاکید کردند: من هیچگاه طالب مقام

نارضایتی در قم، نیروهای سرکوبگر از تهران به قم اعزام شده و دهها تن از جمله سیدهاشمی داماد و سعید منتظری فرزند آیت الله منتظری را دستگیر کرده اند. بنا به برخی گزارشها در نجف آباد و اصفهان نیز اقدامات امنیتی پیشگیرانه ای بعمل آمد. همزمان با این اقدامات جلسه سالانه مجلس خبرگان مجدداً با خامنه ای به عنوان "رهبر انقلاب" تجدید بیعت کرد. اقدامات رژیم علیه منتظری نه تنها بیانگر استبداد فراگیر و سرکوب هر گونه اظهار نظر مخالف در ایران، بلکه بیش از آن نشانگر تضادهای لاینحل سیاسی و مذهبی در حکومت است، تضادهایی که هیچ قدرتی قادر به مهار آن نیست. این تضادها در شرایط بحران همه جانبه ای که کشور ما را در بر گرفته، منشا خطری دایمی برای حکومت بشمار می رود.

کمک های مالی رسیده

- بهمین جان از انگلستان ۲۲ مارک
- فریق حسن از بلژیک ۱۴۵۰ فرانک
- فریق محمد هفتاد ۵۰ مارک
- فرقای نروژ باکد "جشن ۱۹ بهمن نروژ" ۳۲۶۵ کرون
- فرقای سازمان در سوئد:
- "جهت تغییرات در سیستم فنی و بهبود کیفیت نشریه کار،" ۷۸۵۰ کرون
- "به نشریه کار" ۴۲۲۵ کرون
- بشرکت کنندگان در "جشن ۱۹ بهمن آلمان" به "کار" ۸۹۰ مارک
- بدرآمد حاصل از "جشن ۱۹ بهمن سوئد" به "کار" ۱۴۰۰ کرون
- دست یاری همه رفقا و دوستان را به گرمی می فشاریم و همت عالی شان را ارج می نمیم.

حکومت تروریسم دولتی جمهوری اسلامی

سازمانهای حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکراتیک مردم ایران، جمهوریخواهان ملی ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اتریش، طی نامه ای به کلاوس کینکل وزیر خارجه آلمان ضمن محکوم کردن تروریسم دولتی جمهوری اسلامی، خواهان افشای مدارک به دست آمده از شبکه ترور رژیم

سیلاب استانهای هرمزگان، لرستان، اصفهان، خراسان، چهار محال و بختیاری، خوزستان، کجکیویه و بویراحمد، کرمان، فارس و ایلام را فراگرفت. مطابق آمارهای رسمی ۴۷ شهرستان و ۷ هزار روستا مورد هجوم سیلابهای پی در پی قرار گرفتند. رسول زرگر معاون هماهنگی و امور عمرانی وزارت کشور طی مصاحبه‌ای در ۱۰ اسفند ماه میزان خسارات وارده را ۴۷۰ میلیارد ریال عنوان کرد. در حالیکه بر پایه اطلاعات مقامات محلی، خسارات سیل تنها در دو استان فارس و کرمان نزدیک به ۳۰۰ میلیارد ریال برآورد شده بود. بر پایه اطلاعات وزارت کشور، ۱۲۰ هزار خانوار مورد

ادامه از صفحه ۱

صدها هزار تن بی خانمان شده اند

مجموع سیل قرار گرفتند که ستاد حوادث غیر مترقبه توانسته ۸۵ هزار خانوار آنها را اسکان مجددی موقت دهد و ۳۵ هزار خانوار به حال خود رها شده‌اند. این ستاد میزان خسارات را تا روز ۱۰ اسفند به قرار زیر اعلام کرد: راهها و ابنیه ۹۰ میلیارد ریال، اداری و آموزشی ۵۴ میلیارد ریال، تاسیسات زیر بنایی ۶۰ میلیارد ریال، واحدهایی که کاملاً تخریب شده‌اند ۱۶۰ میلیارد ریال. در جریان سیلاب ۲۲۰ هزار راس دام به ارزش ۱۰ میلیارد ریال از بین رفت. در حالیکه به گفته این ستاد تعداد کشته شدگان ۱۸۳ نفر و

بابعاد عظیم فاجعه نبوده است. به گزارش ستاد حوادث غیر مترقبه، دولت ۷ میلیارد ریال و ستاد کمکهای اضطراری ۲۰ میلیارد ریال برای مقابله با سیل اختصاص دادند و ۵۰ میلیارد ریال نیز اعتبارات بانک در نظر گرفته شده است.

از چندین روز پیش از شروع این فاجعه، وقوع آن پیش بینی شده بود. اما هیچ‌گام واقعی برای مقابله با آن و جلوگیری از گسترش خسارات به عمل نیامد.

گزارشی از سیل خواب خرگوشی ارگانهای مسئول

گفتنی است که رژیم جمهوری اسلامی که مشغول جشن و سرور مراسم دهه فجر بود، تا روزها خبر وقوع سیل و به ویژه ابعاد گسترده آنرا پنهان ساخت تا به جشن و سرور حکومتی لطمه‌ای نرسد و به همین جهت فرصتهای بسیاری برای مقابله با سیل از دست رفت. جمعیت هلال احمر تنها در ۱۹ اسفند برای دریافت کمکهای مردمی اعلام آمادگی کرد. در زیر گوشه‌هایی از اظهارات یکی از سلیزده‌گان را که نشاندهنده نا آمادگی و عدم مسئولیت تکان دهنده ارگانهای مسئول -علیرغم هشدارهای قبلی است - می‌خوانید:

"سیل بی‌رحم فاجعه آفریده بود ولی بیشتر در کدام مناطق؟ کدام روستاها به کمک فوری نیاز داشتند؟ در کدام ناحیه مردم در محاصره آب بی‌یاور مانده‌اند؟ هیچ کس جوابگوی این سئوالات نبود. یعنی مسئولین باخبرند؟ یعنی به کمک مردم نیازی نیست؟ برنامه‌های صدا و سیما کشور را امثال مسابقه "بخور، بخور" یکیک و ماست پر کرده بود. باران برای سومین روز ادامه داشت. در این میان یکی از اهالی روستا که توانسته بود خود را به شهر برساند، خبرهای شومی با خود آورد. ... اجساد گرفته شده از ۱۰ به ۲۰

استیضاح وزیر راه و ترابری به نتیجه رسید

روشن خواهد شد. او تقصیر سقوط هواپیمای شرکت پتروشیمی را به گردن شرکت ساها انداخت و افزود بسیاری از شما نمایندگان بارها واسطه شدید تا ساها پرواز کند.

بعد از توضیحات سعیدی کیا در مورد استیضاح او رای گیری بعمل آمد و از ۲۴۲ نفر عده حاضر در جلسه ۱۲۱ نفر رای منفی برای برکناری وزیر راه و ترابری دادند که به حد نصاب نرسید و در نتیجه او در سمت خود باقی‌ماند.

در موارد قبلی وزیری که مورد استیضاح قرار می‌گرفت، می‌بایستی مجدداً رای اعتماد مجلس را بدست آورد و یا اینکه بر کنار گردد اما طبق تفسیر جدید شورای نگهبان از اصول قانون اساسی، رای گیری باید در مورد تقاضای رای عدم اعتماد انجام شود. با نتیجه برای برکناری وزیر رای بیش از ۵۰ درصد نمایندگان حاضر در جلسه باید تأمین شود که در این مورد فقط ۵۰ درصد نمایندگان رای به برکناری وزیر راه و ترابری دادند.

ترکیب و سخنان نمایندگان، حاکی از آنست که مسئله استیضاح جنبه جناحی نداشته و عده‌ای از امضا کنندگان نظیر باهنر و راجایی خراسانی طرفدار دولت رفسنجانی هستند و درخواست استیضاح صرفاً در رابطه با بی‌کفایتی مدیریت وزارت راه و ترابری بوده است. رفسنجانی تلاش نمود که همانند مورد وزیر کشور، نمایندگان را از استیضاح منصرف سازد و یا آنها را وادار سازد که به برکناری وزیر رای ندهند. مهندس سیفیان در سخنان خود بگفته‌ای از هاشمی در یک جمع خصوصی تأکید کرد که اگر این استیضاح به منظور اصلاح مدیریت است از لحاظ زمانی بسیار نامناسب است.

این بار نیز رفسنجانی موفق شد که ترکیب کابینه خود را تا انتخابات ریاست جمهوری حفظ نماید و برکناری عده‌ای از وزرا را تا چند ماه دیگر عقب بیاورد. اما موضوعی که جلب توجه میکند این است که بی‌کفایتی، ضعف مدیریت، گماشتن عناصر نالایق در راس امور آنچنان بارز است که داد نمایندگان طرفدار دولت رفسنجانی درآمده است. حوادث اسفنازی در کشور می‌گذرد و عده زیادی از مردم به علت بی‌کفایتی مسئولین کشور، جان خود را از دست میدهند، ولی گردانندگان حکومت حتی حاضر نمیشوند به مردم توضیح بدهند که علت حوادث ناگوار چیست و تلاش میکنند که گماشتگان خود را هم چنان در مسئولیت‌های مهم کشوری نگهدارند.

در حاشیه رویدادها

انتخابات در جمهوری اسلامی

لیکن و بویژه در سالهای اخیر، این امر مانع از آن نبوده که مراحل تدارک و انجام چنین انتخاباتی موضوع حاد کشمکش و جنگ قدرت میان کانونها و مراکز نفوذ و قدرت در حکومت اسلامی شود. کشمکش بر سر انتخابات آتی میان محافل وابسته به رژیم نیز از همین حالا داغ است. طوریکه به نوشته روزنامه سلام برخی محافل حکومت "همه اتفاقاتی که در گوشه و کنار می‌افتد را از زاویه تأثیر آن بر انتخابات ریاست جمهوری ارزیابی می‌کنند." سلام می‌نویسد: دامنه چنین ارزیابی به "حوادث و بلایای طبیعی نیز کشیده شده است و اخبار نابسامانی‌های ناشی از سیل نیز برای آنکه مبادا بر انتخابات آتی اثر سوء بگذارد دچار بی‌توجهی و بی‌اعتنایی شده است."

انتخابات آتی ریاست جمهوری نیز که در خرداد ماه سال جدید برگزار خواهد شد از این قاعده خارج نیست. با اینکه سه ماه به برگزاری انتخابات باقی مانده از هم اکنون روشن است که هاشمی رفسنجانی برقم کشمکش‌های چند ماه گذشته میان او و رهبر و پاره‌ای حدس و گمان‌ها درباره احتمال کنار کشیدن یا کنار گذاشتن وی، کاندیدای ریاست جمهوری است و انتخاب وی نیز قطعی بنظر می‌رسد. هر چند برای آرایش صحنه یکی دو نفر دیگر برای به اصطلاح رقابت با او وارد میدان خواهند شد. می‌توان حدس زد آتی عباس شیبانی همانند دوره پیش از همین حالا آماده ورود به میدان رقابت با رفسنجانی است!

فروب روز سوم سیل بود و آغاز شب. آری با "شب‌ی تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل!" از دور، روستائیان اطراف دیده می‌شدند که با همه گرفتاری به کمک آمده بودند. می‌گفتند: رادیوی محلی با قطع برنامه‌ها وضعیت بد روستائیان را اعلام کرده است. آمده‌ایم کمک."

فشارهای خارجی علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد

سخرانان کنفرانسی که چندی پیش تحت عنوان "روابط ایران و آمریکا در دولت کلینتون" در واشینگتن برگزار شد در شمار این اقدامات اند. لیکن لحن شدید بیانیه هفته گذشته وزارت خارجه آمریکا نشان داد که حکومت اسلامی نتیجه‌ای از این تلاشها نگرفته است. چرا که برقم این کوششها، نقض حقوق بشر، تروریسم دولتی - که شامل فیر ایرانیان نیز شده است - سیاست خارجی نابخردانه که صدور و حمایت از بنیادگرایی اسلامی در مرکز آن قرار دارد و نیز کوششهای مشکوک برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای، همچنان رویه تغییر ناپذیر رژیم است و همین رویه موجبات تشدید فشار دنیای خارج علیه جمهوری اسلامی است که از ماهها پیش بصورت یک روند بلاانقطاع ادامه دارد.

در این میان آنچه نگران کننده و هشدار دهنده است تعهداتی است که واری تبعات سیاستهای رژیم از سوی بیگانگان متوجه مصالح و منافع کشور است و سیاستها و روش و منش حکومت اسلامی در داخل و خارج کشور این تعهدات را از دیده‌ها پنهان یا حساسیت ایرانیان نسبت به آنها را کاهش و حتی در مواردی از بین برده است.

فربی بی اثر نبوده و نیست، کما اینکه پیگیری پرونده قتل دکتر بختیار و ترور برلین در محاق محظورات دولتهای پاریس و بن گرفتار آمده است. لیکن از جانب آمریکا، فشارها نه تنها کاهش نیافته، بلکه به قرائن موجود وارد مراحل حساس‌تری می‌شود.

در دو ماهی که از ورود کلینتون به کاخ سفید می‌گذرد حکومت اسلامی بویژه محافل نزدیک به هاشمی رفسنجانی پنهان و آشکارا به اقدامات متعددی برای جلب نظر مساعد دولت تازه آمریکا دست زده‌اند. در مصاحبه مطبوعاتی اخیر رفسنجانی چنین قصدی یکی از هدفهای عمده بود، اظهارات توأم با "حسن نیت" تهران تایمز در باره "فرصت طلایی" از سرگیری رابطه میان دو دولت، مصاحبه شمس‌اردگانی رئیس منطقه آزاد تجاری قشم با شبکه سی.ان.ان آمریکا و دعوت سرمایه‌گذاری در قشم، تماس کرباسچی شهردار تهران با فرامی از نزدیکان کلینتون به‌منظور شرکت در کنفرانس شهرداران در نیویورک، سفر یک هیات رسمی از جانب وزارت نفت به آمریکا که برای نخستین بار پس از انقلاب صورت گرفته است و نیز برخی پیام‌رسانی‌های فیر مستقیم از جمله از طریق

می‌توانند کاربردهای نظامی و هسته‌ای نیز داشته باشند، دست زده‌اند. براساس همین گزارش در نیم سال دوم سال میلادی گذشته شش کنفرانس محرمانه با شرکت نمایندگان ۷ کشور صنعتی تشکیل شده است که دستور کار همه آنها موضوع فوق بوده است. اجلاس محرمانه ۲۰ نوامبر این کشورها در بن، آخرین این کنفرانسها بود.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه اخیر خود با خبرنگاران داخلی و خارجی با لحن آشتی‌جویانه کوشید از فشارهای غرب و آمریکا علیه حکومت بکاهد. نامه وی به سران ۱۲ کشور اروپائی بدنبال تشدید فشار این کشورها علیه فتوای قتل سلمان رشدی، همین منظور را دنبال میکرد. رفسنجانی در این نامه بی‌آنکه از اصرار رژیم بر اجرای فتوای قتل رشدی دست بردارد و بدون آنکه به فریاد جهانی علیه نقض خشن حقوق بشر در ایران اعتنایی بکند، با استفاده از نقاط ضعف آشکار دولتهای غربی در دفاع‌شان از حقوق بشر و مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی و سیاست سرپوش و مدارای آنها بویژه آنجا که منافع اقتصادی در میان باشد، آنها را به گفتگو دعوت کرد.

این اقدام رژیم بی شک در تعدیل رفتار برخی دولتهای

ادامه از صفحه ۱

انفجار در نیویورک مربوط باشد، می‌تواند نشان‌دهنده سمی باشد که کاخ سفید در مناسبات خود با جمهوری اسلامی در پیش گرفته است.

این گمان زمانی قوت می‌گیرد که از هنگام ورود بیل کلینتون به کاخ سفید، موضوع عراق که تا آخرین دقیق پایانی ریاست جمهوری جرج بوش داغ و مسئله آفرین بود، با گذشت هر روز، بیشتر در حاشیه قرار می‌گیرد. بیشتر تحلیل‌گران احتمال می‌دادند که این امکان وجود دارد که دولت کلینتون بر خلاف بوش، کشمکش با صدام حسین را به کناری وانهد و فشار به حکومت اسلامی را در راس سیاستهای خود در منطقه مآثر قرار دهد. رویدادهای هفته‌های اخیر در جهت تأیید این نظر است. از جمله، دو هفته پیش از بیانیه وزارت خارجه آمریکا، دولت امریکا برای نخستین بار رسماً نفع سلمان رشدی و اکنش نشان داد و خواستار لغو فتوای قتل وی از سوی رژیم جمهوری اسلامی شد و بنا به گزارشی که هفته‌نامه آلمانی "اشترن" انتشار داده آمریکا و دیگر دولتهای صنعتی به کوشش وسیعی برای جلوگیری از دسترسی حکومت اسلامی به تجهیزات پیشرفته که

از میان رویدادها

اجتماع بر مزار دکتر مصدق

به گزارش خبرنگار برون مرزی حزب ملت ایران، دهها هزار تن از ایرانیان آزادیخواه در سالگرد درگذشت دکتر مصدق مراسم باشکوهی برپا کردند. این مراسم در روز جمعه ۱۴ اسفند ماه در احمدآباد مزار دکتر مصدق برپا شد. این خبرنامه در ادامه گزارش خود می‌افزاید: به رزم بارش شدید باران، از ساعت ۸ صبح ایرانیان آزادیخواه گروه گروه به احمدآباد وارد شدند و در ظهر جمعه قلعه احمد آباد محلو از دوستداران مصدق شده بود.

صدها تن از دانشجویان دانشگاه تهران، تعداد بسیاری از دانش آموزان مدرسه‌ها و آموزشگاههای تهران، کرج و قزوین، دهها تن از دگراندیشان پرآوازه و گروه بزرگی از زنان آزاده از جمله شرکت کنندگان در این اجتماع بودند. این مراسم تحت محافظت شدید گماشتگان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برگزار شد. اما این عوامل در اجرای مراسم مانعی ایجاد نکردند.

اعتراض کارگران

چیت بهشتر

روز یکشنبه ۱۶ اسفند کارگران کارخانه چیت بهشتر در محل کارخانه اجتماع کردند. این اجتماع به خاطر اعتراض به بی‌توجهی مدیران کارخانه به مشکلات کارگران و وضعیت معیشتی آنان صورت پذیرفت. کارگران پس از ابراز اعتراض بکار خود در کارخانه ادامه دادند.

کاهش صادرات نفت

بدنبال قطعنامه اخیر اوپک در مورد کاهش تولید نفت این سازمان تا سقف ۲۳/۵۸ میلیون بشکه در روز یعنی به میزان یک میلیون بشکه در روز، سهمیه جدید صادرات ایران به ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. فلانمرضا آقازاده وزیر نفت در یک مصاحبه مطبوعاتی به تاریخ ۱۰ اسفندماه در این زمینه گفت: ظرفیت تولید نفت ایران ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز است ولی به جهت بهبود بازار نفت اوپک در چارچوب مصوبات اخیر سطح تولید نفت خود را تا ۳ میلیون و ۳۴۰ هزار بشکه در روز کاهش داده است. وزیر نفت افزود: کاهش تولید نفت تاثیر زیادی در افزایش قیمت نفت خواهد داشت و با پائین آمدن تولید آن، درآمد ارزی ایران کاهش نمی‌یابد. وی اظهار امیدواری کرد که اگر اعضای اوپک به تعهدات خود پایبند باشند، قیمت نفت طی ۳ ماه آینده تا بیش از ۲۰ دلار افزایش پیدا کند. آقازاده همل کمبود فرآورده‌های نفتی در ماههای اخیر را خسارت ناشی از سیل به خطوط لوله و پالایشگاههای نفت اعلام کرد و گفت: در بهمن ماه جاری به علت وقوع سیل در استانهای جنوبی، ۳۰۰ میلیون لیتر از تولید فرآورده‌های نفتی کاسته شده است. لازم بتذکر است همزمان با فصل سرما، کمبود شدید نفت و سایر مواد سوختی و گرانی قابل ملاحظه این مواد، مشکلات فراوانی را برای مردم به همراه آورد.

سقوط شدید ارزش ریال

ارزش ریال در برابر دلار آمریکا در عرض چند روز بنحو بیسابقه‌ای سقوط کرد. در ۱۰ اسفندماه ارزش هر دلار آمریکا که تا چند روز پیش ۱۵۶۵ ریال بود به ۱۶۴۳ ریال رسید. با افزایش شدید قیمت دلار در بازار آزاد، بانک مرکزی نیز اقدام به افزایش شدید نرخ ارز شناور از ۱۴۹۷ ریال به ۱۵۴۷ ریال نمود. قیمت فروش هر سکه بهار آزادی مقارن ظهر دوشنبه ۱۰ اسفند به ۱۳۸۰۰۰ ریال رسید که نسبت به‌بهای روز دوشنبه، حدود ۳۵۰۰ ریال افزایش نشان می‌داد.

بانک مرکزی دلیل سقوط شدید قیمت ریال را دلایل "فصلی و زمانی"، خریدهای ارزی سازمانهای دولتی از بازار آزاد و همچنین افزایش نرخ ارز شناور که به قصد کم کردن فاصله دو نرخ صورت می‌گیرد، اعلام کرد. اما گروهی از اقتصاددانان، اعلام بانک مرکزی مبنی بر مهلت گشایش ارزی تا پانزدهم اسفندماه جاری و آماده شدن بانکها برای اجرای سیاست تک نرخ شدن ارز را دلایل این سقوط ناگهانی می‌دانند.

۴۰ برابر شدن هزینه صدور روادید

هزینه صدور روادید ایران برای اتباع انگلیس ۳۶ برابر شد و مبلغ ۱۴ پوند به ۵۰۴ پوند افزایش یافت. این اقدام به دنبال ۴۰ برابر شدن هزینه روادید برای اتباع ایران به انگلستان اتخاذ شد. وزارت امور خارجه انگلستان افزایش هزینه بررسی تقاضای

روادید (چه صادر بشود و یا نشود) برای اتباع ایران از ۱۲۰۰ به ۵۰۰۰۰ ریال را به یک نرخی شدن سیستم ارزی ایران مربوط دانست. مقامات هر دو کشور ارتباط این اقدامات با حاد شدن مسئله سلمان رشدی و تنش ناشی از آن را تکذیب کردند.

تجمع اعتراضی جمعی از فروشندگان گوشت

صدها تن از فروشندگان گوشت گوسفندی در تهران روز ۸ اسفند ضمن تجمع در مقابل ساختمان اتحادیه صنف دارندگان دکان گوشت گوسفندی نسبت به قطع سهمیه گوشت اعتراض کردند و خواستار پاسخ مسئولان شدند. اتحادیه صنف دارندگان گوشت گوسفندی دارای ۳۶۰۰ واحد هر سه گوشت می‌باشد که هر هفته در ۳ نوبت بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ کیلوگرم گوشت توزیع می‌کردند. تظاها رکندگان می‌گفتند حدود یک ماه است که هیچ نوع گوشتی مهم از کوپنی یا

ارزان قیمت به واحدها داده نشده و تنها منبع درآمد فروشندگان گوشت قطع گردیده است. به ۳۶۰۰ واحد مذکور از ۸ بهمن سهمیه تعلق نگرفته که منجر به مشکلات زیادی شده است. به گفته مسئولین اتحادیه، شرکت سهامی گوشت هدف از اقدام خود را آزاد شدن گوشت و حذف سوسپدنتون کرده و از تصابان خواسته است که منتظر گوشت کوپنی نباشند. فروشندگان گوشت همچنان خواهان پاسخ قانع کننده مسئولین به خواسته‌های خود هستند.



آوارگان جنگ همچنان در کپر ها و آلو نکها



در حالیکه هر روزه گزارشات متعددی از برنامه‌های بازسازی مناطق جنگی منتشر می‌شود، هنوز هزاران تن از جنگ زدگان

در کپر ها، آلو نکها و خرابه‌ها بدون کمترین امکانات رفاهی و بهداشتی روزگار می‌گذرانند. هکس یک هموطن جنگ زده را، ۳ سال و

نیم بعد از پایان جنگ در برابر آلو نک خود نشان میدهد.

اعتراض در دانشگاه آزاد

کلینیک دندانپزشکی دانشگاه آزاد بدنبال اعتراض دانشجویان به حال نیمه تعطیل درآمد، این اعتراض بدنبال افزایش شهریه و درخواست مسئولین کلینیک جهت تهیه مواد و وسایل دندانپزشکی توسط دانشجویان صورت گرفت. دانشجویان حاضر نیستند به تحمیل هزینه تعمیر دستگاهها بر آنها تن بدهند. به گفته یکی از دانشجویان (۱۳ اسفند) مدت ۳ روز است که کار کلینیک به علت کمبود وسایل راکد شده است و دانشجویان در بخشهای خود به زمان تلف شده می‌نگرند. به گفته یکی دیگر از دانشجویان تمامی این مشکلات به هدم توانایی مالی دانشجو و فشار بیش از حد دانشگاه برای اخذ شهریه‌های بالا باز می‌گردد. لازم به ذکر است که دانشگاه بسیاری از وسایل دندانپزشکی را به دانشجویان اجاره می‌دهد و اجاره برخی از این دستگاهها اخیرا به ۲ برابر افزایش یافته و به ازای آنها دانشجویان هر ترم باید ۱۰ هزار تومان پرداخت کنند.

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی هلت گرفتن بیش از یک بلیط از مسافران را تامین نیازهای مالی این شرکت ذکر کرد. وی افزود: قطعات مورد نیاز اتوبوسهای شرکت واحد در گذشته با ارز دولتی تامین می‌شد ولی در حال حاضر تامین اکثر هزینه‌های این شرکت با ارز شناور صورت می‌گیرد. به گفته مدیرعامل این شرکت، شرکت واحد در حال سپری کردن

سخت‌ترین شرایط مالی خود است و اختصاص ۱۰ درصد از درآمد شهرداری و مازاد هوارض خودروها تنها ۵۰ درصد از نیاز مالی شرکت واحد اتوبوسرانی را برطرف می‌سازد. شرکت واحد نیز مانند سایر واحدهای دولتی راه تامین هزینه‌های خود را در افزایش فشار بر مردم جستجو می‌کند و اخذ بیش از یک بلیط از مسافران یکی از این راههاست.

از نمونه‌های فسادگسترده اداری

از طریق حساب سازی، اختلاس و ارتشاء میلیون ها دلار دزدی کرده و در حسابهای شخصی خود در آلمان، انگلستان، اتریش، سوئیس ذخیره کرده‌اند. اعلام شد که این عده از سال ۱۳۶۵ با بخشی از وجوه به قارت رفته به سرمایه‌گذاری در زمینه مسکن و صنایع نساجی پرداخته‌اند. روزنامه‌ها از ذکر نام کامل متهمین خودداری کرده‌اند.

هر از چندگاه گوشه‌ای از فساد و رشوه خواری گسترده در میان مقامات دولتی و مسئولین از پرده برون می‌افتد. روز ۲۹ بهمن اعلام شد که یک شبکه بزرگ اختلاس ارزی و ریالی در چند شرکت تابع بنیاد مستضعفان و بانک صنعت و معدن کشف شده است. به گزارش روزنامه‌های دولتی ۱۳ تن از مدیران شرکت‌های نساجی و بانک صنعت و معدن دستگیر شده‌اند. این عده

محکومیت مجدد جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق بشر

ادامه از صفحه ۱
بین‌المللی اجازه دهد که از زندانهای ایران باز دید نمایند. در ماه دسامبر گذشته نیز در پی انتشار پیش نویس گزارش سالانه گالیندوپل پیرامون نقض حقوق بشر در ایران - که ترجمه متن آن در کار شماره ۱۵۱ انتشار یافت - کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه شدیدالحنی رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرده بود.

فروش کارخانه آلومینیوم سازی اراک

در روزنامه‌های تهران شایعاتی در مورد فروش کارخانه آلومینیوم سازی اراک به ۲ سرمایه‌دار انگلیسی - و یک سرمایه‌دار ایرانی مطرح شده است. آنچه این شایعات را تقویت کرده است، سؤال نمایندگان مجلس و وزیر صنایع سنگین است. نمایندگان مجلس در سؤال خود از وزیر صنایع پرسیده‌اند که خریداران کارخانه آلومینیوم سازی اراک چه کسانی هستند و وزیر این سؤال را بدون پاسخ گذاشته است.

ادامه صدور و اجرای احکام ضد انسانی

مجازات مجرمین با شیوه‌های غیر انسانی و قرون وسطایی و بر مبنای شرع همچنان ادامه دارد. در روز ۸ اسفند اعلام شد که در سندج دست شخصی به نام خالد محمدی ۲۰ ساله به جرم سرعت قطع شد. همچنین در ملایر در مورد شخصی به نام ماه حمین صدی که دامادش را کشته بود با حضور مقامات قضایی حکم قصاص به اجرا درآمد و او توسط خانواده مقتول (اولیا دم) به هلاکت رسید.

اخاذی و دزدی‌های مسلحانه

ناامنی در ابعاد بیسابقه‌ای در ایران گسترش یافته است. هر روز اخبار متعددی در زمینه بروز انواع جنایات و جرایم منتشر می‌شود. در روز ۲۹ بهمن اداره آگاهی تهران اعلام کرد پنج سارق که مسلحانه در خیابانهای تهران به سرقت و اخاذی از مردم می‌پرداختند، دستگیر شدند. طبق این خبر سارقین "کارت جعلی دفتر قضایی یکی از نهادها" را به همراه داشتند و مردم را تهدید می‌کردند که "اگر پول ندهید شمارا به زندان خواهیم انداخت". تاکنون نمونه‌های بیشماری از اخاذی با تهدید اسلحه از طرف مأمورین نهادهای انتظامی رژیم نیز دیده شده است.

بوی بهار

مادرم گندم درون آب می‌ریزد
پنجره بر آفتاب گرمی آور می‌گشاید
خانه می‌روید، فبار چهره آینه‌ها را می‌زداید
تاشب نوروز
خرمی در خانه ما پاگذار
زندگی برکت پذیرد باشگون خویش
بشکند در ما و سر سبزی برآرد

ای بهار ای میهمان دیر آینده!
کم کمک این خانه آماده است
تکدرخت خانه می‌مسیاهی ماهم
برگهای تازه‌ای داده است
گاهگاهی هم
مهره پرواز ابری در گذار باد
بوی مطر نار س گلگای کوهی را
در نفس پیچیده‌ام آزاد

اینهمه می‌گویدم هر شب
اینهمه می‌گویدم هر روز
باز می‌آید بهار رفته از خانه
باز می‌آید بهار زندگی امروز.

سیاوش کسریایی

بمهر ماه ۱۳۳۸

کوچ بنفشه‌ها

در روزهای آخر اسفند
کوچ بنفشه‌های مهاجر
زیباست.
در نیمروز روشن اسفند
وقتی بنفشه‌ها را از سایه‌های سرو
در اطلسی شمیم بهاران
با خاک و ریشه

— همین سیارشان —

در جعبه‌های کوچک چوبی،
در گوشه خیابان، می‌آوردند:
جوی هزارم زمه در من،
می‌جوشد:

ای کاش...

ای کاش آدمی و وطنش را

مثل بنفشه‌ها

(در جعبه‌های خاک)

یک روز می‌توانست،

همراه خویشتن ببرد کجا که خواست.

در روشنی باران، در آفتاب پاک.

محمد رضا شفیعی کدکنی

اسفند ۱۳۴۵

در گرداب تکرار و سکون

می‌گویند، برای مثال شجریان در گفتگویی با مجله فیلم (آبان ۱۳۷۱) در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «من جوانمایی را که می‌آیند و می‌کوشند که به شکلی باقالتنه سنت شکنی کنند و راه‌های تازه بکشایند، بسیار دوست دارم. آنهایی که میکوشند موسیقی را همراه با نیازهای مردم و نیازهای خودشان متحول کنند...» کمی آنسوتر به نامگونی شهر کهن ایران با نیازهای جامعه معاصر اشاره کرده و می‌گوید: «شعر حافظ و سعدی مرا دیگر راضی نمیکند، چون جامعه‌ساز نیست. وقتی که شعر فارسی را بررسی میکنیم از نظر فنانی مایه‌های عرفانی‌اش، از نظر اهتلا و مقام عشق و عرفان در آن هیچ کمبودی ندارد. همه چیز دارد، اما زندگی واقعی، چیزهایی غیر از این هم دارد و موسیقی باید آن را بیان کند و در جهت این زندگی باشد و شعر ما این را ندارد.» آنچه که آقای شجریان گفته است تنها بیان بخشی از بحران موجود در موسیقی ایرانی است. یکی از دشواری‌های فلج‌کننده موسیقی ایرانی وابستگی آن به شعر و کلام است که تا حد زایل شدن استقلال و هویت قائم به ذات آن گسترش یافته است. این موسیقی بر اثر محدودیت‌های مذهبی پیوسته از دوران صفویه به این سو برای حفظ خود پیوسته به دامان کلام پناه برده است. همین وابستگی سبب فقر ریتمیک موسیقی گردیده و قرینه‌ها و افاهیل هروضی بارگرانی بر دست و پای آن شده‌اند. تجربه موسیقی جهان نشان میدهد که بارآوری و فنانی یک موسیقی تابع معکوسی از وابستگی آن به شعر و کلام است. امروز اما وابستگی موسیقی ایرانی به کلام به حدی است که در اذهان بسیاری از ایرانیان یک ارکستر بدون خواننده چیز عجیب و فریبی می‌نماید و خوانندگان معمولاً شهرت و آوازه‌ای برتر از بهترین آهنگسازان ما داشته و دارند. علت عدم بهره‌گیری آهنگسازان و خوانندگان از شعر معاصر را نیز

باید در همین وابستگی یکسویه موسیقی به اوزان و قوالب عروضی جستجو کرد. طی سده‌های متمادی اصول عروضی در شعر از یکسو و دستگاهها و گوشه‌های موسیقی از سوی دیگر با هم دمساز و آمیزگار شده‌اند، از اینرو اجرای آهنگین شعر نو که در آن محور عروضی رعایت نمیشود هم برای خواننده و هم برای آهنگساز دشوار و بعضاً ناممکن است. در این راستا می‌توان نتیجه گرفت که توصیه به خوانندگان و آهنگسازان در مورد استفاده بیشتر از شعر معاصر، با توجه به بحران ساختاری و ماهوی موسیقی ایرانی راه به جایی نخواهد برد. اگر غیر از این بود کسانی که چنین توصیه‌هایی را به دیگران می‌کنند خود در این راه پیشقدم میشوند و موسیقی ایرانی را از بن بست مملکت کنونی وامی‌رهانند.

برخی آهنگسازان با دور زدن دشواری اصلی موسیقی ایرانی، با هم‌نوایی‌های (ارکسترسیون‌ها) بیشتر، گسترش ارکست و کاستن از تکنوازی‌ها به گمان خود تحولی اساسی در موسیقی پدید آورده‌اند. در اجرای گروه هارف بویژه تلاش شده بود که به این شیوه عمل شود، به گونه‌ای که هر قطعه آوازی (تکنوازی) با خواندن یک یا دو بیت به پایان میرسد و هم‌نوایی دوباره آغاز میشود. هدف از بکارگیری این شیوه ظاهراً کاستن از حزن آلودگی اجرا و افزودن بر تحرک و ضرب آهنگ آن بود.

مادام که به بهانه حفظ «اصالت موسیقی» از درآمیزی خلاقانه آن با موسیقی جهانی جلوگیری شود و از امکانات و ظرفیتهای موسیقایی دیگر ملت‌ها و کشورها برای رشد و گسترش امکانات موسیقی ایرانی بهره‌گیری نشود، بحران ناهم‌زمانی گریبان آن را رها نخواهد کرد و انسان ایرانی بیش از پیش این موسیقی را فریب و بیگانه خواهد یافت.

ح - بهداد

تعاجم فرهنگی و

چاره‌اندیشی‌های

رژیم

با «تعاجم فرهنگی» که این روزها ورد زبان مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی شده، قرار است که با تمهیدات و تدابیر مختلفی مقابله شود. در جهانی که از رهگذار ارتباطات و اشاعه وسیع اطلاعات هیچ کشوری نمیتواند به گرد خود دیوار کشد و خود را در انزوای خود ساخته قرار دهد، جمهوری اسلامی میکوشد که ارتباط مردم را با جهان خارج بگسلد و آنها را از همه چیز به جز خزعبلات، تبلیغات و اطلاعات قلب شده خود محروم سازد. در همین راستا رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی پیوسته در حال بخش مطالب خرافه آمیز، تائید و تکریم از «زهر» و «شستشوی مشرقی مردم هستند. اما بحران همیتی که هر صدهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... فرا گرفته و نیز تناقض و دوگانگی میان کردار و گفتار رهبران رژیم، مردم را از نظام و رسانه‌های گروهی آن روگردان ساخته و به سوی استغاده از رسانه‌های گروهی خارجی سوق داده است. گوش دادن بخش بزرگی از مردم به رادیوهای خارجی و تلاش آنها برای دریافت تصاویر ماهواره‌ای را میتوان پیامد همین بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌های گروهی رژیم و نیاز آنها به تنوع و برنامه‌های شاد و سرزنده ارزیابی کرد.

جمهوری اسلامی که تا دو، سه سال پیش پیوسته در صدد ایجاد ایستگاههای رادیویی چر قدرت برای پخش برنامه به زبانهای خارجی و «صدور انقلاب» بوده است، اخیراً از روی آوردن دم افزون مردم به رادیوها و تلویزیونهای بیگانه به وحشت افتاده و بیش از پیش در صدد تقویت و توسعه شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در داخل کشور برآمده است. در همین راستا در حالی که هنوز بخشهایی از کشور از دریافت برنامه‌های شبکه اول و بویژه شبکه دوم تلویزیون محرومند، قرار است که در سال آینده شبکه سوم هم افتتاح شود.

به نظر میرسد که جمهوری اسلامی بیش از هر چیز از خطر «تسلیم اهالی شهرها در برابر تعاجم فرهنگی» می‌راسد و از اینرو گسترش برنامه‌های تلویزیونی به روستاها برایش چندان اهمیت ندارد. اما تدابیری همچون آزاد سازی استغاده از ویدیو با نظارت نهادهای دولتی، ایجاد شبکه‌های متعدد تلویزیونی... مادام که از طریق آنها همین خزعبلات و خرافات کنونی به خورد مردم داده شود، برای رژیم نتیجه مطلوب را به بار نخواهد آورد. مشکل مردم در رابطه با رسانه‌های گروهی رژیم بیشتر از آنکه به کمیت آنها مربوط شود، به کیفیت مطالب و برنامه‌های آنها باز میگردد، امری که با توجه به اندیشه‌های متحجرانه‌های رژیم غیر قابل حل مینماید. با اینهمه گسترش امکانات ارتباطی و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی رژیم را بیش از پیش به استفاده از نیروهای «غیر خودی» مجبور خواهد کرد. افراد و نیروهای آگاه و روشن بین میتوانند بر بستر کار و فعالیت در رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی رژیم به رشد و

استاد احمد هبادی در گذشت



احمد هبادی، استاد بزرگ و چیره دست سه‌تار روز دوشنبه ۱۷ اسفند (۸ مارس) در بیمارستان پاستور تهران چشم از جهان فرو بست. استاد هبادی از برترین نوازندگان معاصر ایران بود که با ساز خود «برنامه گلها»ی رادیو را جلوه و طنینی خاص می‌بخشید. وی در ابتدای سده جاری سه‌تار را از او به یاد آورد و با اجراهای زنده خود در رادیو ایران آن را بیش از پیش به ایرانیان باز شناساند. هبادی که در آغاز به سبب نبود ضبط صوت و اجرای اجباراً زنده نمیتوانست صدای سه‌تار خود را از رادیو بشنود، پیوسته از زبان دیگران می‌شنید که صدای سازش خوب نیست. علت آن بود که در آن زمان «روش نواختن سه‌تار سریع و با گردش تند دست‌ها روی سیم‌ها بود و نغمه‌ها باید سریع بیان می‌شد. این روش با توجه به

خصوصیت صدایی سه‌تار و کیفیت دستگاههای پخش آن روزگار از کیفیت کار نوازندگی میکاست و شنونده اصواتی بدون حالت می‌شنید.» (مصاحبه با احمد هبادی - آدینه شماره ۳۶ - ص ۵۵). هبادی برای رفع این کاستی به اندیشه می‌نشاند و سرانجام به صرفت می‌افتد که فاصله نغمه‌ها و زخمه‌ها را زیاد کرده و در واقع فاصله گذاری سیم‌ها را بیاز ماید. پس از این تغییرات سه‌تار طنین و آهنگی وزین و دلنشین می‌یابد و جای خود را در خانواده سازهای ایرانی بیش از پیش تثبیت می‌کند. بی سبب نیست که به هبادی «زنده کننده سه‌تار» لقب داده‌اند.

استاد هبادی تا واپسین روزهای زندگی نیز به آموزش سه‌تار به علاقمندان مشغول بود و مهارت و چیره دستی وی هیچگاه مایه کبر و غرور بیجای او نگشت.

در گذشت دکتر اوصیاء



با کمال تأسف خبر یانتیم که دکتر پرویز اوصیاء، حقوقدان، نقاد و پژوهشگر معاصر روز ۲۷ بهمن امسال (۱۶ فوریه) در پاریس چشم از جهان فرو بست. دکتر اوصیاء از جمله دانشگاهیانی بود که دانش و آگاهی به مسائل حقوقی، فقه و زبانهای ایتالیایی، انگلیسی، هربی و فرانسه از وی چهره‌ای بارز و شاخص ساخته بود. دکتر اوصیاء در کنار تدریس در دانشگاه و تحقیق و پژوهش از فعالیت‌های مطبوعاتی نیز برکنار نبود. وی که در سالهای پیش از انقلاب سلسله مقالاتی را درباره آزادی و دموکراسی در روزنامه کیهان به چاپ رسانده بود، در سالهای بعد از انقلاب نیز چه هنگام اقامت در ایران و چه در دوران تبعید به فعالیت نوشتاری و مطبوعاتی خویش ادامه داد و با نوشتن مقالاتی در نشریه «الفبا» (به مسئولیت فلامحسین ساعدی) و انتشار کتاب «زندانیان توحیدی» بر وفاداری خود به دموکراسی و آزادیهای اجتماعی تأکید بیشتری نهاد. در سخنرانیها

و کنفرانسهای مختلف در دانشگاهها و مجامع ایرانی و بین‌المللی نیز اوصیاء پیوسته حرمت انسان و آزادیهای وی را بر جسته می‌ساخت و نبود آن آزادیهای سیاسی و اجتماعی در ایران را به باد انتقاد میگرفت.

دکتر اوصیاء پس از چندین سال عضویت در کانون نویسندگان ایران، سال ۱۹۸۸ به دبیری این کانون برگزیده شد و در گسترش فعالیت و کوشمان آن در تبعید نقش برجسته‌ای ایفا نمود. از دکتر اوصیاء علاوه بر نوشتارهای مطبوعاتی و سخنرانیهایش، کتابهایی همچون «زندانیان توحیدی»، «نقد واره‌ی بر شعر اسماعیل خویی»، «دیوان شعر، مجموعه داستان... بر جای مانده است. ما ضمن ابراز تأسف از ضایعه فقدان دکتر اوصیاء برای جامعه علمی و هنری ایران، در گذشت او را به خانواده دوستان و دانشجویان و همچنین به کانون نویسندگان ایران (در تبعید) تسلیت می‌گوییم.

رژیم راحت الشعاع برنامه‌های زنده، آموزنده و متنوع خود قرار دهند.

گسترش اندیشه‌های روشنگرانه یاری رساند و خرافه پراکنی و برنامه‌های متحجر، زندگی ستیز و مرگ پرستانه مورد علاقه سران

ایران در سال ۱۳۷۱

ایران، سال ۱۳۷۱ را با بحرانی عمیق پشت سر گذارد. بحران در همه جهات: در وضع اقتصادی کشور، در مناسبات مردم و حکومت، در درون رژیم و در مناسبات رژیم با جهان خارج. در سالی که گذشت، از یکطرف بسیاری از انتظارات برآورده نشد و از طرف دیگر وقایعی رخ داد که بسیاری را غافلگیر کرد. ائتلاف حاکم، انتظار نشستن برای "معجزه" سیاست های اقتصادی دولت خود را بیوده یافت. انتظارات سیاستگزاران و برنامه ریزان دولتی، هم در رابطه با امکانات درون کشوری و هم در رابطه با کمکهای خارجی غلط از آب درآمد. مردمی که شعار بهبود تدریجی در اوضاع زندگی خود را از زبان حکومتگران شنیده بودند، وضع معیشتی خود را بدتر و وخیم تر یافتند. بخش دیگری از مردم که در جبهه توقع و انتظار از رژیم قرار داشتند به نیروی وسیع ناراضی و ناامیدان حکومت ملحق شدند و این امر در چند شهر بزرگ کشور به شکل انفجار ضد حکومتی میان گردید. این شورش های غیر منتظره، تأثیر بزرگی بر فعل و انفعالات درون رژیم گذاشت. رفسنجانی که از انتظار ایجاد مجلسی هماهنگ با دولت و تحکیم موقعیت خود طرفی نیسته بود با یورش خامنه ای روبرو شد. خامنه ای باره انداختن موج مقابله با "تهاجم فرهنگی"، حزب الله را میدان داد، مواضع فقه حکومتی را تقویت کرد، و زن رسالتی ها را در حکومت بالا برد، و موقعیت خود را تحکیم بخشید. محافل و وسیعی در غرب که انتظار داشتند جاده صعودی رفسنجانی به قدرت بلامنازع هموارتر گردد و روند "مصلحت" و "هفتل" در جمهوری اسلامی باز کرده بودند، در پی دگرگونی های معادلات قدرت در رژیم جمهوری اسلامی، از امید به یاس گرائیدند و آنگاه طی مدتی کوتاه و با شتابی که حکومتگران جمهوری اسلامی را غافلگیر کرد، به سرکردگی امریکا جبهه آتش و وسیعی علیه رژیم گشودند. مناسبات رژیم با جهان خارج فقط در عرض چند ماه به جایی رسید که نظیرش حتی در اوج ماجراجویی های خمینی طی دهه ۶۰ هم دیده نشد. رژیم وحشت خورده از نارضایتی مردم و مقابله جویی جهان خارج، چماق خشم خود را به انجائو ناگون چه در شکل سرکوب و فشار در داخل و چه با ترور فیزیکی و معنوی در خارج بر سر نیروهای سیاسی مخالف خود فرود آورد. جهانیان، جمهوری اسلامی را شناخته اند اما آن چهره ای که این رژیم در سال ۱۳۷۱ از خود نشان داد حتی خارج از انتظار آنان بود. و در این میان، اپوزیسیون رژیم کماکان نتوانست انتظار مردم از خود را پاسخ گوید و هلیروم پاره ای تلاش های مثبت، متاسفانه همچنان از پراکنندگی رنج برد.

سرانجام باید به بلایای غیر منتظره طبیعی اشاره کرد که در سال ۱۳۷۱، باز میهن ما را در ماتم و ویرانی بیشتر فرو برد و بر مصیبت هایمان دو چندان افزود.

آنچه که در زیر می آید، تاملی گذرا بر روندها و رویدادهای عمده کشورمان در سال ۱۳۷۱ است و طبعاً، نه یک جمع بست تحلیلی از روندها و رخ دادهایی که طی سال گذشته پشت سر گذاشتیم.

انتخابات مجلس چهارم و نتایج آن

سال ۷۱ در تب و تاب انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی آغاز شد. آنچه رقابت بین جناحهای حکومت را شدت بخشید هدف ائتلاف حاکم به سرمداری خامنه ای و رفسنجانی در حذف طرفداران "خط امام" و تسخیر مجلس بود. زمینه های این تلاش در نیمه های سال ۷۰ زمانی که شورای نگهبان همده دار تعیین صلاحیت کاندیدها شد، آغاز گردید. در روز ۱۲ فروردین، اسامی کاندیداهای مورد تایید شورای نگهبان اعلام شد. از ۳۵۵ نفر داوطلب نمایندگی، صلاحیت بیش از یکمزارتن آنان و از جمله برخی از سرشناس ترین چهره های جناح تندرو مورد تایید قرار نگرفت. تصفیه گروه بزرگی از مخالفان ائتلاف حاکم درگیری را به نقطه اوج خود رساند. احتمال عدم شرکت "خط امامی" ها در انتخابات ابتدا از سوی گروهی رئیس مجلس دوم و سپس گروهی دیگر اعلام شد. "کمیته سیاسی" مجمع روحانیون مبارز، طی نامه سرگشاده ای اعتراض خود را با خامنه ای در میان گذارد. خامنه ای پاسخ گفت: بر فرض که بر شما جفا هم شده باشد در انتخابات شرکت کنید. به دنبال آن گروهی به ملاقات خامنه ای رفت و سپس مجمع روحانیون مبارز اعلام کرد در انتخابات شرکت خواهد کرد. شرکت در انتخابات از سوی همه گروه های اپوزیسیون منتفی اعلام گردید. انتخابات با شکست شدید اکثریت "خط امامی" مجلس سوم همراه شد. تحولاتی را در ترکیب حکومتی پدید آورد. این انتخابات نقطه پایانی بر دخالت موثر طرفداران خط خمینی در حکومت جمهوری اسلامی بود. اما بر خلاف بسیاری از پیش بینی ها نتیجه کار نه بسود رفسنجانی بلکه سود جناح رسالت تمام شد. تغییر توازن قوا در حکومت با یورش همه جانبه جناح روحانیون بزرگ و رسالتی ها علیه سیاستهای رفسنجانی همراه شد. "مقابله با تهاجم فرهنگی" که از اواسط سال ۷۱ توسط محافل از حکومت تدارک می شد، در پی یروز شورش های مردم، بعنوان فرمان حکومتی و موج سرکوبگرانه برای سرکوب شورشی مردم راه افتاد. اما خامنه ای و موادارانش از همان اول از آن برای حمله به سیاستهای رفسنجانی نهایت استفاده را بردند. آنها که سیاست های رفسنجانی را از عوامل تضعیف حزب الله و جسور شدن مردم می دانستند، در صدد توقف این سیاست ها برآمدند. نخستین قربانی این تعرض، محمد خاتمی وزیر ارشاد بود. تبلیغات کینه توزانه علیه او بنحو بی سابقه ای شدت گرفت. خاتمی روز ۲۵ تیر مجبور به استعفا شد. او در استعفا نامه خود که یک بیانیه سیاسی بود، توجرو واپس گرای را به شدت مورد حمله قرار داد. رفسنجانی هلی لاریجانی را به جای او نشانید.

تحولات بحرانی در سیاست خارجی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی که از زمان جنگ دوم خلیج فارس در مسیر تازه ای افتاده و موفقیت های قابل ملاحظه ای به دست آورده بود در سال ۱۳۷۱ بار دیگر با دشواری های جدی مواجه شد. فضای بی اعتمادی و سووطن مناسبات جمهوری اسلامی با اکثر کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داد. رقابت با ترکیه بر سر نفوذ در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق، خصوصیت دو کشور را شدت بخشید. ادعاهای طرفین در مورد حمایت از گروه های اپوزیسیون بر آتش اختلافات دمید و حتی به آنجا منجر شد که در ۸ شهریور نیروهای ترکیه در پی تعقیب مبارزین کرد، به خاک ایران تجاوز کنند. به منظور بهبود روابط تلاش زیادی صورت گرفت. سلیمان دمیرل نخست وزیر ترکیه به همین منظور در آبانماه وارد تهران شد. اما مسیر تشنج دایی که قرار بود با سفر حسن حبیبی به آنکارا دنبال شود، با قتل او فوراً مومجوز روزنامه نگار ترکیه توسط تروریستهای جمهوری اسلامی برهم خورد. مقامات ترکیه، از جمله نخست وزیر و وزیر کشور آن بالحنی بی سابقه سران جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار دادند.

در پی سقوط دولت نجیب الله در افغانستان در ۲۹ فروردین، برغم استقرار مجاهدان افغانی در کابل تلاشهای جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ در افغانستان، با مشکلات جدی مواجه بوده است.

روابط با جمهوری آذربایجان در پاره ای زمانها به حد خصمانه ای رسید. حوادث تاجیکستان از شهریور بدین سو بزرگترین ضربه را بر سیاستها و نفوذ جمهوری اسلامی در این منطقه وارد کرد. بنیادگرایی اسلامی در تاجیکستان بنحوی خونین سرکوب شد. سایر کشورهای آسیای میانه نیز الگوی حکومت اسلامی را رد کردند.

خطرناکترین تحول در مناسبات با همسایگان جنوبی رخ داد. روز ۳ شهریور جمهوری اسلامی به اقداماتی علیه ساکنان عرب جزیره ابوموسی دست زد و از بازگشت یکصد تن آنان به محل سکونت خود جلوگیری کرد. این اقدام دستاویزی بود که مناسبات با کشورهای عربی را متشنج کرد. شورای همکاری خلیج فارس و همه کشورهای عربی در مناقشه ای که بین ابوظبی و جمهوری اسلامی آغاز شد به پشتیبانی از ابوظبی و دعاوی آن در مورد حاکمیت بر ابوموسی و جزایر تنب کوچک و بزرگ برخاستند. روز ۲۳ شهریور (۱۴ سپتامبر) همه ۲۱ عضو اتحادیه عرب و از جمله سوریه با صدور قطعنامه ای "تلاش ایران برای تصرف جزیره ابوموسی" را محکوم کرده و آنرا ماجراجویی خطرناکی نامیدند که به دخالت خارجی در منطقه منجر خواهد شد. بدنبال این قطعنامه شورای امنیت ملی تشکیل جلسه داد و ضمن دعوت به گفتگو، اعلام کرد به هیچ کشوری اجازه دخالت در ساختن حق ایران بر جزیره را نخواهد داد. ابوظبی کوشید موضوع اختلاف را به مجامع جهانی و از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد بکشاند. وزارت خارجه امریکا به پشتیبانی از ابوظبی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تهدیدی علیه کشورهای منطقه خواند. دو دور مذاکرات در مهر ماه با شکست مواجه شد. روز ۲۴ آبان وزرای خارجه ۵ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، بر حاکمیت ابوظبی بر ۳ جزیره تاکید کردند. اختلاف بر سر جزایر حل نشده باقی ماند و هر از گاه بصورت موضعی حاد به نمایش درآمد. اکنون این اختلاف به عاملی در جهت ایجاد تنشهای خطرناک در مرزهای جنوبی ایران تبدیل شده است.

روابط جمهوری اسلامی با کشورهای غربی از پائین سال ۷۱ با سرعت رو به وخامت نهاد. در مرداد ماه اخراجهای پی در پی وابستگان جمهوری اسلامی و انگلستان روابط دو کشور آتیره ساخت. همزمان با انتخاب ریاست جمهوری امریکا سران تهران، حملات خود به امریکا و رئیس جمهوری جدید را تشدید کردند. دولت جدید امریکا نیز بر آتش اختلافات دمید. در آبانماه یک شهروند امریکایی در تهران دستگیر شد. امریکا خریدهای تسلیحاتی جمهوری اسلامی، موضوع فتوای قتل سلمان رشدی، نقض حقوق بشر و دخالت های ج ۱، در بوسنی و هرزه گوین را بهانه تشدید فشارهای خود بر جمهوری اسلامی قرار داد و توانست کشورهای اروپایی را نیز با خود همراه سازد. در ۲۰ نوامبر ۹۲ (۲۹ آذر) ۷ کشور صنعتی در بن اجلاسهای تشکیل دادند تا کنترل صدور تسلیحات و تکنولوژی پیشرفته به ایران را مورد بررسی قرار دهند. ۱۵ دسامبر ۹۲ (۲۴ آذر) سران جامعه اروپایی اعلامیه شدیدالحنی جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر، فتوای قتل سلمان رشدی و خریدهای تسلیحاتی محکوم کردند. ژاپن از ۳۱ دی ممنوعیت صدور ۱۰ تلم کالاهای صنعتی از جمله مواد اورانیم دار، کامپیوتر و ماشین ابزار به ایران را به اجرا گذاشت. دولت امریکا، آلمان، ایتالیا و فرانسه را برای اقدامات مشابه تحت فشار گذارد. ۵ بهمن یک تبعه آلمانی در ایران محکوم به اعدام شد. آلمان و برخی از کشورهای اروپایی در پی تشدید بحران سیاسی و وخامت اوضاع اقتصادی ایران، اقدامات اقتصادی محدود کننده ای علیه جمهوری اسلامی به اجرا گذاردند. سیاستهای خصمانه غرب، بر آتش امریکاستیزی در جمهوری اسلامی دامن زد.

تشدید سیاست تسلیحاتی

جمهوری اسلامی تلاشهای و فقه ناپذیر خود را برای خرید تسلیحات بیشتر در تمام طول سال ادامه داد. غرب اقدامات جمهوری اسلامی برای دست یابی به سلاحهای مدرن و اتمی را یکی از محورهای فشار خود علیه حکومت ایران قرار داد. این تبلیغات هر چند مطابق منافع امریکا و سایر کشورهای غربی با بزرگ نمایی همراه بود اما واقعیت تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای اتمی را منعکس می کرد. چین، روسیه، کره شمالی از جمله بزرگترین فروشندگان سلاح به ایران بودند. در نیمه های شهریور، همزمان با دیدار هاشمی رفسنجانی از پکن، قرار داد خرید راکتورهای هسته ای ایران از چین بین دو کشور امضاء شد. همزمان اعلام گردید که قراردادی با روسیه برای ساختن یک نیروگاه برق اتمی در ایران امضاء خواهد شد. در اواخر آبان و در اوج بحران بر سر جزایر سه گانه، نخستین زیر دریایی ایران که از روسیه

خریداری شده بود و آذوقه خلیج فارس گردید. در همین زمان اخباری در مورد صدور مواد اولیه سازنده بمب شیمیایی به ایران از سوی برخی کشورهای خارجی از جمله هلند منتشر شد. اخبار مشابه در مورد خرید اورانیوم فنی شده از چین و امریکا، تلاش برای معاملات اتمی با هند، خرید موشکهای اسکاد کره و میگ های ۲۹ روسی نگرانی نسبت به خریدهای تسلیحاتی ایران را دامن زد. سال گذشته میلیاردها دلار در این راه هزینه شد. ایران در پیش برد این سیاست تنها نبود. تمام کشورهای منطقه در مسابقه ای جنون آمیز خاور میانه راه انبساطی از باروت آماده اشتعال تبدیل کردند.

تشدید بحران اقتصادی و گرانی لجام گسیخته

با آغاز سال بحران اقتصادی کشور وارد مرحله تازه ای گردید. بحرانی که در طول ۱۲ سال گذشته ذره ذره شکل گرفته بود با سیاست های اقتصادی رفسنجانی که "تعدیل اقتصادی" نام گرفته بود، سر باز کرد و زندگی و معیشت اکثریت جامعه را زیر شدیدترین فشارها قرار داد. با این همه بلافاصله پس از انتخابات مجلس، رفسنجانی به اجرای سیاستهای اقتصادی شتاب بیشتری داد. توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای لغو محدودیتهای سرمایه گذاری خارجی و پایان دادن به سیاست چند نرخ ارز مورد پذیرش دولت قرار گرفت اما هلیروم تبلیغات بسیار تا پایان سال هیچ سرمایه گذاری جدی خارجی در ایران صورت نگرفت.

واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی جهت دیگر برنامه تعدیل اقتصادی رفسنجانی بود که با سرعت دنبال شد. مرتضوی معاون سرمایه گذاری وزارت اقتصاد و دارایی در تیر ماه اعلام کرد ۷۵۰ واحد دولتی به بخش خصوصی واگذار می شود. در مهر ماه مدیر عامل شرکت توانیر از واگذاری ۵۱ درصد سهام نیروگاهها به بخش خصوصی خبر داد و در بهمن ماه، شورای عالی اداری اعلام نمود واحدهای بزرگ کشت و صنعت به بخش خصوصی داده خواهد شد. سیاست خصوصی سازی تا آنجا شتاب گرفت که حتی از برنامه خصوصی سازی دانشگاهها نیز سخن به میان آمد. اما هلیروم همه تلاشها، بخش خصوصی از شرکت فعالانه در امور تولیدی مورد نظر خودداری کرد. بطوریکه پرویز داوودی معاون اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی فاش ساخت رخد سرمایه گذاری در ایران منفی است و رشد تولید تنها بدلیل استفاده از ظرفیت های خالی ممکن شده است. وجه دیگری از بحران اقتصادی رکود در بازار فروش تولیدات ملی در اثر واردات بی رویه کالاهای خارجی بود. اوایل شهریور ماه محبوب دبیر کل خانه کارگر اعلام کرد که کارخانجات نساجی و صنایع لوازم خانگی بدلیل سرازیر شدن اجناس مشابه خارجی و اشباع کامل بازار مصرف در خطر تعطیلی هستند و کمالی وزیر کار هشدار داد نرخ بیکاری رو به افزایش است. در چنین شرایطی، مرحله دوم سیاست تعدیل اقتصادی که مشخصه آن یکسان سازی نرخ ارز است از سوی مسئولان دولتی اعلام شد. اقدامات دولت در این زمینه نه تنها از بار بحران نکاست بلکه تولیدات داخلی را در آستانه خطرات بیشتری قرار داد. طوریکه هادلی رئیس کل بانک مرکزی در آبانماه اعتراف کرد در پی تصمیم به یک نرخ کردن ارز، هزاران واحد تولیدی در شرف نابودی هستند. با اینحال رفسنجانی بودجه ۵۴ میلیارد تومانی سال ۷۲ دولت را بر پایه نرخ واحد ارز که در واقع پائین آوردن نرخ رسمی برابری ریال نسبت به دلار تا سطح این برابری در بازار آزاد است، به مجلس داد و آرتا در دهم بهمن ماه از تصویب گذراند.

یکی از اصلی ترین جنبه های بحران اقتصادی، کمبود شدید ارز، بدیهیهای عظیم خارجی و ناتوانی دولت در باز پرداخت آنها بود. پائین قیمت نفت در تمام طول سال و پیش فروش بخش عمده آن، دولت را برای تامین ارز مورد نیاز دچار مشکلات جدی ساخت. در حالیکه درآمد ارزی سالانه ۱۷ میلیارد دلار در نظر گرفته شده بود، دولت نتوانست بیش از ۱۴ میلیارد دلار آنرا بدست آورد. در نیمه های سال منابع فزینی، حجم وامهای خارجی ایران را ۲۰ میلیارد دلار برآورد کردند، اما در پایان سال فاش شد که مقدار این وامها از مرز ۳۰ میلیارد دلار نیز تجاوز کرده است. بسیاری از کشورها گشایش اعتبارهای تازه را متوقف ساختند و این بر دشواریهای دولت افزود.

بزرگترین جنبه بحران اقتصادی که اثرات خرد کننده ای روی زندگی و معیشت مردم بجای گذاشته و کماکان رو به تشدید است نرخ تورم و گرانی سرسام آور نرخ کالاها و خدمات مصرفی مردم بود. در حالیکه معاون رئیس جمهوری در آستانه سال اعلام کرده بود بهای هیچیک از کالاها و خدمات دولتی در سال ۷۱ افزایش نخواهد یافت، موج افسار گسیخته گرانی در

سال گذشته کمر مردم را بیشتر خم کرد. از آغاز تا پایان سال برخی کالاها چندبار و تا چند برابر گران شد. فهرست کردن تمامی موارد ناممکن است در اینجا تنها به چند مورد اساسی و حیاتی اشاره می شود. در فروردین ماه بهای خدمات پستی تا چند برابر افزایش یافت، قیمت گوشت دو برابر شد و هر کیلو به ۲۶۰ تومان رسید. مطابق آمار رسمی در این ماه بهای عمده فروشی کالاها ۲۸ درصد ترقی داشت. در اردیبهشت بهای ماست، شیر و لبنیات افزایش یافت و قیمت یک شیشه شیر به ۱۵۰ ریال رسید. در خرداد قیمت ۴۸۷ تلم دارو بین ۲ تا ۵ برابر بالا رفت. در همین ماه تخم مرغ ۴۰ درصد گران شد. دولت با محدود ساختن ارائه کوپن بر بار مشکلات مردم افزود. در ماههای خرداد و تیر نرخ نان، آب و برق، خدمات پزشکی، هتلها، روزنامهها، لوازم یدکی ماشین و نیز پوشاک افزایش قابل ملاحظه ای یافت. در تیر ماه قیمت انواع برنج تا ۲۱۰۰ ریال رسید و نوشابه شیشه ای ۱۵۰ ریال شد. در مرداد ماه دفترچه های بسیج اقتصادی باطل شد. در شهریور گوشت و مرغ مجدداً گران شد و قیمت مرغ به کیلویی ۲۶۰ تومان رسید. در مهر ماه تخم مرغ شانهای ۲۷۰ تومان و هر عدد ۱۰ تومان به فروش رفت. در ۱۸ مهر به تصمیم شورای اقتصاد بهای اشتراک گاز ۵ تا ۶ برابر افزایش یافت. بانک مرکزی طی آمارهای اعلام کرد بهای خدمات و کالاها در ۵ ماهه اول سال ۲۴/۷ درصد نسبت به مدت مشابه در سال قبل افزایش داشته است.

انفجار خشم مردم

انتخابات مجلس چهارم جدایی شدید مردم از حکومت را نشان داد. هلیرغم تمام تلاشهایی که رژیم برای شرکت هر چه بیشتر مردم در این انتخابات انجام داد، مطابق آمار رسمی در مرحله اول انتخابات تنها ۱۸ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر شرکت کردند که شامل ۶۵ درصد دارندگان حق رای بود. صدها هزار تن نیز که در انتخابات شرکت کردند، بعنوان اعتراض رای سفید به صندوق ریختند. در تهران یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رای دادند که کمتر از ۴۰ درصد دارندگان حق رای بود. این رقم در دور دوم انتخابات به یک میلیون و ۲۵۰ هزار رای کاهش یافت. آرای جناحهای ۳۰ تا ۶۰ درصد کل آرا و ۱۲ تا ۱۵ درصد مجموع مردمی بود که می توانستند رای بدهند. انتخابات نشان داد که مردم در اکثریت عظیم خود از رژیم بریده اند و از همه جناحهای آن قطع امید کرده اند. این اعتراض گسترده و خاموش مردم بر اثر وخامت اوضاع اقتصادی و بیاد ظلم و ستم به زنجیرهای از اعتراضات و شورشها بدل شد.

در ۲۶ فروردین شیراز صحنه یکی از بزرگترین تظاهرات سالهای اخیر شد. تظاهرات از سوی آسیب دیدگان جنگی آغاز شد و به سرعت شهر را در خود فرو برد. مطابق آمارهای که بعداً منتشر شد، دست کم ۱۵ خودرو دولتی، ۲ پمپ بنزین، یک پاسگاه انتظامی و ۷ بانک به آتش کشیده شد. رژیم با اعزام نیرو از شهرهای اطراف تظاهرات را سرکوب کرد. صدها تن دستگیر شدند. دادستان انقلاب شیراز تعداد دستگیر شدگان را ۲۴۰ نفر اعلام کرد. روز ۳۰ اردیبهشت مردم در اراک به شورش برخاستند. این شورش را تخریب آونکها مشتمل کرد. شهر داری، دادسرای انقلاب و چندین بانک توسط هزاران تن از مردم به جان آمده ویران و به آتش کشیده شد. تظاهر کنندگان عکسهای خمینی، خامنه ای و رفسنجانی را از برج میدان شهرداری پالین کشیدند. پاسداران از شهرهای مجاور به اراک هجوم آوردند و پس از چندین ساعت زد و خورد توانستند تظاهرات را مهار کنند. در یورش شبانه نیروهای انتظامی به خانه های مردم گروه زیادی دستگیر شدند. نهم خرداد مشهد به اعتراض پیوست. تظاهرات مشهد بزرگترین حرکت اعتراضی علیه جمهوری اسلامی بود و ۲ روز ادامه یافت. شهرداری، ادارات دولتی و کلاتری ها به تصرف مردم درآمدند. نیروهای انتظامی مهربوب از قدرت مردم و ناراضی از سیاستهای رژیم عقب نشستند و عقب نشینی آنها بر دامنه اعتراض افزود. در جریان ۲ روز تظاهرات بیش از ۱۰۰ ساختمان دولتی مورد تهاجم قرار گرفت، دو پایگاه نیروهای انتظامی توسط مردم تسخیر و خلع سلاح شد و میلیونها تومان خسارت وارد آمد. رژیم با اعزام گسترده نیرو و خوشنوتی، بیسابقه پس از ۴۸ ساعت کنترل شهر را به دست گرفت و حکومت نظامی اعلام کرد. به گفته وزیر کشور ۳۰۰ نفر در جریان تظاهرات و تعداد زیادی در روزهای بعد دستگیر شدند.

روز ۱۷ خرداد در بوکان علیه رژیم تظاهرات شد. اعتراض به دنبال قتل یکی از اهالی شهر توسط مامورین رژیم آغاز گردید. فرمانداری، شهرداری، بانکهای دولتی و اداره ارشاد اسلامی مورد حمله مردم قرار گرفت. در این تظاهرات ۸ نفر کشته، ۲۰ نفر مجروح و حدود ۳۰۰ نفر بازداشت شدند. روز ۲۱ مرداد مردم یافت آباد تهران تظاهرات بزرگی برپا کردند. این تظاهرات ۸ ساعت به طول انجامید. ۲ هزار تن از مردم کوشیدند پاسگاه نیروی انتظامی را اشغال کنند. محله یافت آباد به محاصره پاسداران درآمد و پس از جنگ و گریزی سخت مردم متفرق

شدند. ۲۵ مرداد مردم جعفر آباد کرمانشاها تظاهرات برداشته ای بر پا کردند. این تظاهرات بدنبال درگیری گروهی از مردم با پاسداران آغاز شد. مردم با شعارهایی علیه گرانی و سرکوب به نیرد با پاسداران برخاستند. روز ۳۰ شهریور تظاهرات وسیع دیگری در یافت آباد تهران در مقابله با تخریب آونکها برپا شد. چندین دستگاه اتومبیل دولتی از سوی مردم آتش زده شد. تظاهرات از صبح تا شب ادامه یافت و مطابق آمار روزنامه ها ۲۱ نفر دستگیر شدند. در نیمه های مهرماه در چندین شهر از جمله تهران و مشهد حرکات اعتراضی علیه افزایش بهای گاز برپا شد. بزرگترین این اعتراضات در مشهد رخ داد که حدود ۱۰ هزار تن در جلوی شرکت نفت استان علیه افزایش قیمت ها اعتراض کردند. شدت سرکوب رژیم شکل و دامنه اعتراضات را بتدریج تغییر داد. در نیمه دوم سال حرکات اعتراضی و اعتصابی بیشتری با ابعاد کوچکتر رخ داد، ۲ بار اعتصاب در ذوب آهن اصفهان و چندین اعتراض دانشجویی همراه با صدها اعتراض محلی و پراکنده شاخص نیمه دوم سال است.

چماق نهی از منکر بر سر جامعه

اعتراضات پی در پی مردم، به ویژه شورش بزرگ مشهد رژیم را وحشت زده کرد. سران رژیم تصمیم به سرکوب همه جانبه و خونین مردم گرفتند. بدنبال تظاهرات مشهد تبلیغات گسترده علیه تظاهر کنندگان جای سیاست سکوت را گرفت. خامنه ای تظاهر کنندگان را هلنمای هرزی خواند که باید از ریشه کنده شوند. رفسنجانی مردم به جان آمده را بی بندبارها و ولگردها و اوپاش نامید و تصمیم رژیم به سرکوب اعتراضات را اعلام کرد. یزدی رئیس قوه قضائیه اعلام کرد سخت ترین مجازاتها نسبت به معترضین اعمال خواهد شد. هیئتی به سرپرستی رئیس دادستان انقلاب اسلامی برای مجازات سریع دستگیر شدگان به مشهد رفت. محاکمات به صورت مخفیانه انجام شد. اعدام ۴ نفر در مشهد و ۹ نفر در شیراز رسماً اعلام گردید. در اراک ۲۹ نفر را به زندانهای تاده سال محکوم کردند.

رژیم به یک بسیج عمومی دست زد و بار دیگر بسیجیان را بعنوان "ناجی انقلاب" به جلوی صحنه راند. این بسیج به فرمان خامنه ای آغاز شد و هر چند هدفهای دیگری از جمله مقابله با سیاستهای رفسنجانی را نیز دنبال کرد. اما هدف اصلی خود را سرکوب توده های مردم قرار داد. خامنه ای در سخنرانی خود به مناسبت هاشورا در برابر بسیجیان (مرداد ماه) آنانرا به مقابله با "تهاجم فرهنگی" و ناراضیاتی رو به رشد مردم فراخواند. بدنبال این سخنان چماق "نهی از منکر" با شدتی کم سابقه بر سر جامعه فرود آمد. نهادها و ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی باتلیفات سازمان یافته ای که یک دم آرام نمی گرفت، حزب الله را بسیج و تحریک کردند. هزاران بسیجی به خیابانها ریختند تا به بهانه مبارزه با فساد، بی حجابی و بی بندوباری هرگونه هعیان و اعتراضی را خفه سازند. رژه های مسلحانه و مانورهای نظامی در خیابانها چنان بود که انگار کشور درگیر جنگی تمام عیار شده است. ارگانهای برای سرکوب تشکیل شد. در مهر ماه بزرگترین مانور ضد شورش در تهران برگزار شد. فرمانده نیروی انتظامی تهران این مانور را بی نظیرترین، با اهمیت ترین و سخت ترین مانورهای قبل و بعد از انقلاب نامید. در طی چند ماه بیش از یکصد هزار مورد بازداشت و توبیخ زنان در تهران و ۲۰ هزار مورد در مازندران گزارش شد. با این همه اعتراضات هم چنان ادامه یافت.

مطبوعات در برابر فشارهای تازه

ارتجاع همزمان با تعرض گسترده خود علیه مردم، فشار بر مطبوعات غیر دولتی را تشدید کرد. مطبوعات بویژه در ۶ ماهه اول سال دوران دشواری را گذراندند. در اواخر فروردین بدنبال یورش حزب الله ماهنامه افراط تعطیل و مسئولین آن دستگیر شدند. بهانه حمله به این نشریه و توقیف آن چاپ کاریکاتوری شبیه به خمینی اعلام شد. گروهی از مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی از جمله مشکینی، جنتی و فاضل لنکرانی دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم خواهان اعدام سردبیر این نشریه شدند. در روز ۴ اردیبهشت حزب الله ساختمان "چاپ و نشر اندیشه" را به آتش کشید و همه وسایل آنرا ویران کرد. این انتشاراتی ناشر چندین کتاب مورد اعتراض حزب الله بود. در سوم اردیبهشت افراد مسلح به دفتر ماهنامه دنیای سخن حمله کرده و آتجا را با بچی قوی منجر کردند. "شاگردان مدرسه شهادت" مسئولیت این حمله را بعهده گرفتند و وزارت ارشاد را که به این نشریات اجازه فعالیت داده به باد شدیدترین انتقادات گرفتند. این اقدامات فشار مستقیم برای برکناری خاتمی را افزایش داد.

در تیر ماه حزب الله همان گسیخته به روزنامه زن روز وابسته به نشریه کیهان که خود از سردمداران عملیات چماق بدستان بود، یورش برد. ماهنامه دریچه گفتگو نشریه تکاپو و ویژه بانوان، تعطیل شدند. در اوایل مهر ماه مدیر مجله فاراد به

ماه حبس محکوم شد. در نیمه آبان انتشاراتی تهر به بمب منفجر شد. به دستور وزارت ارشاد اسلامی چاپ آثار نادر نادرپور و اسماعیل خوبی به بهانه حمایت از فراخوانی جهت لغو حکم قتل سلمان رشدی ممنوع گردید. تیرنه عباس معروفی سردبیر نشریه گردون در ۱۷ آذر ماه در حضور دادگاه شکستی برای حزب الله بود.

تروریسم

تجارت گسیخته در خارج از کشور

ترور مخالفان در خارج از کشور بعنوان بخش مهمی از سیاست سرکوبگرانه رژیم از نخستین تا واپسین ماههای سال ادامه یافت. در ۱۶ فروردین ماه، رژیم با دست زدن به یک اقدام تروریستی بی سابقه یک پایگاه مجاهدین در ۹۰ کیلومتری داخل خاک عراق را با بمب های خوشه ای و راکت مورد حمله قرار دادند. مجاهدین خلق به تلافی این اقدام نمایندگیهای جمهوری اسلامی را در چندین شهر و کشور اروپایی و امریکایی مورد حمله قرار دادند و خسارات فراوانی به آنها وارد کردند.

۱۵ مرداد (۶ اوت) فریدون فرخزاد درین به قتل رسید. انگشت اتهام به سوی جمهوری اسلامی نشانه رفت. نتیجه تحقیقات در مورد این قتل هنوز ناروشن مانده است. در ۲۶ شهریور (۱۷ سپتامبر) حکومت اسلامی به یکی از بزرگترین اقدامات تروریستی دست زد. تروریستهای جمهوری اسلامی دکتر صادق شرفکندی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، نخل همدلی و همایون اردلان از کادرهای برجسته این حزب و نوری دهکردی مبارز چپ ایران را به قتل رساندند. این ترور وحشیانه انعکاس گسترده ای یافت. پلیس آلمان ابتدا ۲ لبنانی و سپس ۳ تن دیگر که ۲ تن آنها لبنانی و یکی دیگر فردی ایرانی بنام کاظم داودی بود، دستگیر کردند. ارتباط سفارت ایران در آلمان با تروریستها آشکار شد. در نیمه دوم آبان ماه کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور در برلین برای پیگیری این حادثه تشکیل شد. مطابق اطلاعات منتشره پلیس آلمان موفق شد کلیه شبکه اعضای ترور به جز یکنفر را دستگیر کند. از جریان تحقیقات مزارک فیر قابل انکاری در مورد نقش جمهوری اسلامی در این ترور به دست آمد. اما هنوز ۶ ماه پس از این حادثه نتیجه تحقیقات اعلام نشده است. گفته می شود وزارت خارجه آلمان و شرکتهای بزرگ آلمانی به خاطر ترس از لطمه دیدن منافع خود در ایران مانع محکوم شدن جمهوری اسلامی در این جنایت هستند. در اول بهمن ماه تروریستهای جمهوری اسلامی یک اتوبوس حامل مجاهدین خلق را در خاک عراق مورد حمله قرار دادند و ۴۰ نفر را به قتل رساندند. عوامل جمهوری اسلامی چند روز بعد در اقدامی مشابه ۳ تن دیگر از اعضای مجاهدین خلق در عراق را ترور کردند. همزمان اوفور موجود روزنامه نویس مشهور ترک توسط جنایتکاران اسلامی به قتل رسید. این ترور روابط ایران و ترکیه را به شدت تیره کرد. نخست وزیر ترکیه جمهوری اسلامی را عامل این ترور معرفی کرد. در بهمن ماه وجود یک لیست چند ده نفره ترور فاش شد. روز ۲۸ دی شبکه ترور مدعی حمله حارثی یکی از مخالفین حکومت اسلامی بدام پلیس آلمان افتاد. در جریان تحقیقات وجود لیستی از مخالفان جمهوری اسلامی که یا ترور شده یا در برنامه اقدامات تروریستی رژیم قرار داشته اند فاش شد. افراد این لیست بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر تخمین زده شده اند. جامعه ایرانی حقوق بشر نام برخی از شخصیتهایی را که در این لیست ترور قرار داشته اند، اعلام کرد. اما از سوی مقامات دولت آلمان هنوز توضیحی رسمی در این مورد اعلام نشده است. مقامات حکومتی فربنی با حکومت جمهوری اسلامی هم چنان یکی از عوامل همدهای است که سیاست تروریستی جمهوری اسلامی را تقویت می کند.

علیه نقض حقوق بشر در ایران

سرکوب توده های مردم، نقض ابتدایی ترین حقوق و آزادی های پایه ای و تروریسم لجام گسیخته جمهوری اسلامی بارها اعتراضات جهانی را برانگیخت. در روزهای پایانی سال گذشته کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در اجلاس سالانه خود با ابراز نگرانی نسبت به شمار اعدامها، تبعیضهای گسترده مذهبی، محروم بودن متهمان از حق داشتن وکیل مدافع، نبود آزادی و انجمن، جمهوری اسلامی را محکوم کرد. این قطعنامه بر پایه گزارش رینالدو گالیندوپل تهیه شد. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، ماموریت گالیندوپل را به مدت یکسال دیگر تمدید کرد. ۴ روز بعد از محکومیت جمهوری اسلامی، حکومت تهران در واکنشی خصمانه بازرسان سازمان صلیب سرخ جهانی را از ایران اخراج کرد.

در ۵ شهریور ماه (۲۷ اوت) کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، مجدداً حکومت اسلامی را به خاطر اعدامهای وسیع، ادامه شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، سنگسار زنان و آزار اقلیتها محکوم نمود. در آبانماه نمایندگان تعدادی از پارلمانهای اروپایی و امریکایی و از جمله ۲۱۹ نماینده مجلس امریکا و ۶۲ سناتور این کشور

نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کردند. بدنبال دیدار سلمان رشدی از آلمان صحنی رئیس بنیاد ۱۵ خرداد اعلام کرد، جایزه ترور رشدی به بیش از ۲ میلیون دلار افزایش یافته است. در روزهای پایانی بهمن خامنه ای طی سخنرانی بی سابقه ای از دولت انگلیس خواستار تحویل سلمان رشدی شد. به دنبال این درخواست موجی از اعتراض جهانی علیه این فتوا برپا شد. رینالدو گالیندوپل در ۲۲ آبان (۱۳ نوامبر) گزارش جدیدی و مستند خود از نقض حقوق بشر در ایران را منتشر ساخت. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بر پایه این گزارش در اسفند ماه سال جاری بار دیگر نقض حقوق بشر در ایران را محکوم نمود. روز ۲۳ بهمن رئیس قوه قضائیه رژیم اعلام کرد، جمهوری اسلامی با بازدید نمایندگان هغو بین الملل از زندانها موافقت کرده است. این اقدام یک عقب نشینی آشکار در برابر فشارهای جهانی رو به افزایش محسوب شد.

فعالیت های اپوزیسیون

رژیم اسلامی به حاکمیت مطلقه و استبدادی خود ادامه داد. هیچ نشانه ای مبنی بر گشایش فضای سیاسی بروز نکرد. در مهر ماه کمیسیون ماده ۱۰ پرونده نهضت آزادی ایران برای فعالیت هنری و قانونی را رد کرد و بدین ترتیب این جمعیت نیز از شانس فعالیت قانونی محروم ماند. اما نیروهای سیاسی و دمکرات در داخل کشور، طی سال ۷۱ به فعالیتها و تلاشهای خود افزودند. یکی از عمده ترین محورهای این فعالیتها و تلاشها مبارزه برای تامین اصل آزادی احزاب در جامعه بود. این فکر در جامعه چنان نیرو گرفت که پاره ای از نیروها و گروههای هوادار رژیم نیز خواهان اجرای آن شدند. در خارج از کشور تلاشهای اپوزیسیون معطوف به افشای سیاستهای مخرب حکومت، مقابله با تروریسم و فلبه بر مشکلات داخلی شد. کارنامه ای که، چندان موفق نبود اما نیروهای اپوزیسیون توانستند در روشن ساختن ماهیت ضد دموکراتیک انتخابات مجلس چهارم، افشای جنایات رژیم در جریان تظاهرات مردم در بهار ۷۱، و پس از ترور برلین، در افشای اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی گامهایی بردارند. در جهت این تلاشها نمایندگان پاره ای از احزاب دموکراتیک در ۱۸ آبان (۹ نوامبر) با هیئتی از پارلمان اروپا دیدار کردند. در برلین یک کمیته ایرانی ضد ترور تشکیل شد و توانست در افشای نقش جمهوری اسلامی در ترور دکتر شرفکندی و یارانش اقدامات قابل توجهی انجام دهد. پس از انتخاب کلینتون به ریاست جمهوری امریکا، بخشی از نیروهای اپوزیسیون با هدف جلب حمایت امریکا از سیاستهای خود، ارتباط خود را با کشورهای فربنی گسترش بخشیدند. در طیفهای مختلف اپوزیسیون گامهایی در جهت اتحاد عمل و نزدیکی های بیشتر برداشته شد. اما پراکندگی و مشکلات و کم کاری هم چنان مشکل بزرگ اپوزیسیون در خارج از کشور بود.

بلایای طبیعی

حوادث تلخ و تکان دهنده

سال ۷۱، میهن ما شاهد بلاهایی بزرگ و حوادثی تکان دهنده بود. در اردیبهشت ماه سرما، باران، یرف، سیل و طوفان ۱۳ استان کشور را در بر گرفت و آب دریا مجدداً در استانهای شمالی پیشروی کرد. در خرداد ماه حادثه قطار تهران - مشهد ۲۷ کشته و ۲۵ مجروح بر جای نهاد. در ۱۴ آذر دیواره مترو تهران ریزش کرد و دست کم ۷ نفر کشته شدند. در عرعی در یک حادثه دلخراش رانندگی در شمال تهران ۲۰ نفر که اکثریت آنها دختران دانش آموز بودند جان باختند. در ۳۰ دی بر خورد دو قطار در مسیر تهران - مشهد دهها کشته بر جای نهاد. در ۱۹ بهمن در یک حادثه دلخراش هوایی که بر اثر برخورد یک هواپیمای مسافربری با یک هواپیمای نظامی در آسمان تهران پیش آمد بیش از ۱۳۰ تن کشته شدند. مجلس شورا به خاطر این حادثه وزیر راه و ترابری را استیضاح کرد. اما وی رای اعتماد گرفت. در بهمن و اسفند سیلهایی بی سابقه پهنه بسیاری از استانهای کشور را در بر گرفت. سران رژیم تا مدتها و زمانی که مشغول جشن و سرور انقلاب بودند، ابعاد فاجعه را پنهان نگاه داشتند و بسیاری از فرصتها را برای یاری سیل زدگان از دست دادند. با پایان دهه فجر بتدریج ابعاد سیلهای بی سابقه آشکار و از مردم کمک طلبیده شد. تعداد نامعلومی از مردم بر اثر این سیل جان باختند، هزاران واحد مسکونی و اداری ویران شد. نزدیک به ۲۵۰ هزار راس دام تلف شد. خسارت سیل تا هفته اول اسفند به بیش از ۴۷۰ میلیارد ریال رسید که بیشتر از خسارات زلزله شمال بود.

* * *

و بدین ترتیب سالی سرشار از تحول و حادثه را پشت سر نهادیم. از میان همه این حوادث گوناگون، اراده عظیمی که توده های مردم برای تغییر وضع موجود نشان دادند و پیکارهایی را که علیه استبداد پیش بردند، بعنوان شاخص ترین سبمل سال ۷۱ ارج می نهیم و با این امید به سال نوگام می نهیم که این اراده و پیکار مردمی در سال ۷۲ به پیروزی های بیشتری علیه استبداد نایل آید.

عشق و اندیشه، امید و کار

گزارشی از جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان خلق ایران در آلمان



هنگامی که پرده‌های صحنه از دوسو به آرامی کنار می‌رود، در ترکیبی از نور بنفش و سپید، تابلو بزرگی که از بالای آن کلاف باز شده‌ای از سیم خاردار بر سطح تابلو فرو افتاده نمایان می‌شود. بر تابلو بزرگ، پشت سیم خاردار، با خطی خوش، این واژه‌ها نقش بسته است:

«عشق و اندیشه، امید و کار»

و بر تارک نوشته‌ها، پارچه سه رنگ پرچم ایران، پرچمی که زیر سیم خاردار مجالده شده است. تابلو نمادگویی از ایران در بند و بیانی مجسم از عشق و اندیشه و امید و کاری است که در زنجیر است. (چند سال پیش، از دل سیاه زندانهای جمهوری اسلامی، فدائیان در بند بر سنگ کوچکی همین واژه‌ها را حک کرده بودند و برای سازمانشان به بیرون فرستاده بودند.)

... پرده به آرامی کنار می‌رود و از دوسوی این تابلو دو تابلوی دیگر، بر یکی نقشی از موج مردمی که از دل گل کوب سرخ سر بر آورده‌اند و در راهند، و بر تابلوی دیگر آمیزه موزونی از گل‌های سرخ شاداب و لکه‌های رنگ آبی و سبز به نشانه آزادی و زندگی.

... همه سالن برای لحظه‌ای به سکوت تبدیل می‌شود. هنرمند تاثیرش را می‌گذارد. دل‌ها برای ایران در بند به تیش در می‌آید و تشویق شورانگیز حاضران سالن را تکان می‌دهد.

... و بدین گونه است که جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان خلق ایران آغاز می‌شود. جشن مرکزی، در شهر بن آلمان، در سالنی به ظرفیت هزار نفر و با جمعیتی بیش از ظرفیت سالن.

*

مجری پشت میکروفن مخصوصش جای می‌گیرد و با احترام به حاضران آغاز مراسم را اعلام می‌کند. و فراخوان جمعیت به یک دقیقه سکوت به یاد مبارزینی که جان‌های شریفه و پاک در راه آزادی و استقلال میمن و برقراری عدالت اجتماعی نهادند، به خون غلطیدند و جان باختند.

سکوتی ژرف جمعیت را فرا می‌گیرد و یاد جانبازی‌ها و ایثارها، اندیشه‌ها و سروده‌ها و سروده‌ها در سینه‌ها:

«اینان»

دل به دریا افکنانند

بد پای دارنده آتش‌ها

در برابر تندر می‌ایستند...

خانه را روشن می‌کنند

— و می‌میرند! «

«ای جنگل، ای حیف! همسایه شب‌های تلخ نامرادی در آستان سبز فروردین دریغ آن فنچه‌های سرخ را بر باد دادی» حاضران از مجری می‌شنوند که «هر چند با گذشته ناصه بسیار گرفته‌ایم، جوهر نیک اندیشه‌های گذشته را، اما، ارج می‌نهیم و سالگرد تولد جنبش پرافتخار فدایی را جشن می‌گیریم.»

و بدین گونه جشن بیست و دومین سالگرد سازمان با خوش آمدگویی به حاضران رسمیت می‌یابد.

... رفیق علی پورنقوی عضو شورای مرکزی سازمان، توسط مجری معرفی می‌شود و او پیام شورای مرکزی به جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان خلق را می‌خواند. پیامی با مضمون تلاش در راه برقراری و تحکیم پیوندها برای نجات مردم از استبداد حاکم، برای استقرار دموکراسی و برای تحت فشار قرار دادن رژیم از طریق روشنگری افکار عمومی و پیوند مبارزین مهاجر با حرکت جوشان و وقفه ناپذیر مبارزه مردم علیه نظام جور و استبداد و جهل.

صدای دلنشین بخرخ و پیانوی علی؛ و اجرای زیبای ترانه سرودهای خاطره انگیز، جشن بیست و دومین سالگرد تولد سازمان را به فضای شورانگیز خاطره‌های روزهای انقلاب پیوند می‌زند.

رفیق قربانعلی عبدالرحیم پور عضو شورای مرکزی و یکی از قدیمی‌ترین اعضای رهبری سازمان به عنوان سخنران پشت تریبون قرار می‌گیرد و به شرح مختصری از تاریخ سازمان می‌پردازد.

رفیق عبدالرحیم پور «به شرح اشتیاق» جنبش می‌پردازد که با عشق به مردم و اشتیاق به آزادی بنیان گذاشته شد؛ و به شرح مصیبت و فاجعه‌ای که جامعه ما امروز و هنوز بدان دچار است:

«رهبری و مدیریت جامعه، دیروز بر محور زور، بیدادگری و استبداد شاهانه می‌چرخید و امروز بر محور جهالت، تاریک اندیشی، بیدادگری و استبداد مذهبی ولایت فقیه می‌چرخد. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، فاجعه در کشور ما، هر روز به گونه‌های بسیار و در مقیاسی گسترده تکرار می‌شود، و در یک کلام این حکومت، جامعه ما را به سوی انفجار و انهدام سوق می‌دهد.

هم وطنان، دوستان، هم‌زبانان!

اینست زمینه اعتراض ما!

و اینست زمینه جوشش و فریاد ما! «



پس از پایان گرفتن بخش سیاسی مراسم بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان خلق ایران، عباس نوازنده گیتار و هم‌راه آلمانی او خانم آندره آلفک، نوازنده فلوت، به اجرای قطعات فلکلوریک و ترانه‌های آشنای موسیقی ایرانی می‌پردازند.

عارف و ظرو فنجی بخش دیگری از برنامه هنری جشن را بر عهده می‌گیرند. عارف برای نخستین بار است که در جمعی اینچنین و در مراسمی از این دست شرکت می‌کند. پشت صحنه با ما به گفتگو می‌نشیند. از هم‌فغان جوانی‌اش، هنگامی که محصل هنرستان صنعتی بود و از نخستین آوازش در تلویزیون «ثابت» سال ۴۱ می‌گوید و پذیرفته شدنش توسط شورای موسیقی رادیو و نخستین ترانه‌ای که سال

پس از سکوت، از تاریکی همق صحنه، ملودی آشنای ترانه مرابوس جمعیت را با خود به فضای آخرین دیدارهای زندگی، واپسین سپیده‌دهان مبارزانی که با زندگی وداع می‌کردند می‌برد.

لحظاتی بعد، بر زیر و بم ملودی آشنای مرابوس، گویی که بر امواج رود جاری سرگذشت فدائیان، این سخنان می‌نشیند:

«در جنگل زاده نشدیم، در جنگل نیز نروئیدیم. سرگذشت سازمانمان اما، از جنگل، از جنگل سیاه‌هکل عبور کرد.» و حاضران به سرگذشت حماسه‌ای که سالها پیش از حماسه سیاه‌هکل آغاز شده بود گوش‌نوا می‌دهند، و به بهای سنگینی که این جنبش از همان آغاز پرداخته می‌اندیشند:



می‌روند خود نیز شور می‌آفرینند: «بودا ما را ل گزر...»

جمعیت قابل ملاحظه‌ای جلو صحنه همراه نواهای آذربایجانی با رقص آذری شوق و شور بیشتری می‌یابد. خنده بر لب‌ها جاری است و چهره‌ها شاد. همان شادی و خنده که خواب دیوار آشفته می‌کند:

«به چرخ می‌نشیند خنده

به نواز ز خمندی شاد ببندی

رهایش کن! رهایش کن!

اگر چه قیلوله دیو آشفته می‌شود.»

* * *

جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان خلق با صدای دلنشین خانم بخرخ و پیانوی علی و سپس با متن پایانی تشکر از حاضرین و تقالی بر حافظ به استقبال نوز و بهار با این ابیات حافظ پایان می‌گیرد:

رسیدم زده که ایام فم نخواهد ماند

چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند

سرور مجلس جمشید گفته اند این بود

که جام باده بیآور که جم نخواهد ماند

.....

سحر کرشمه صبحم بشارتی خوش‌داد

که کس همیشه گرفتار فم نخواهد ماند

بدینگونه زحمات شبانه روزی رقابتی که بیش از دو ماه در تدارک و اجرای بخش‌های مختلف این مراسم مشغول کار بودند شمر داد و جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان خلق ایران با موفقیت به پایان رسید.

گزارش برگزاری جشن بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق در سوئد

بعد از خواندن پیام‌ها گروه هنری «آوا» چند قطعه آواز خاطرانگیز محلی اجرا کرد که با استقبال زیاد حاضرین روبرو شد. سپس گروه‌های رقص آذری و قاسم آبادی بر شور جشن افزودند، دکلمه شعر و نمایش اسلاید تصاویر بیادماندن طبیعتی و تاریخی و زندگی اجتماعی از میهنمان همراه با موزیک متن، خاطره‌ها را هم بسوی وطن هم‌زیر برد.

رقص پر جنب و جوش و پیوند دهنده کردی هم با استقبال حاضرین روبرو شد و برنامه ویژه بچه‌ها بر شادی جشن افزود. در جشن امسال به همت رفا و دوستان حدود ۱۴۰۰ کرون کمک مالی جمع‌آوری شد.

«حزب ما، سیاست واقع‌گرایانه سازمانتان را در مورد ایران کثیر المله و رفع ستم ملی و برقراری حکومت آزاد و دموکراتیک را مثبت ارزیابی کرده و با دید تحسین به آن می‌نگرد، دیر زمانی است که حزب کردستان ایران برای تشکیل یک جبهه دموکراتیک ترقیخواه و پیوند مبارزه عادلانه خلق کرد، با مبارزه سراسری خلقهای ایران تلاش کرده و برای به تحقق رسانیدن این اهداف در جهت استقرار آزادی و دموکراسی و حقوق عادلانه خلقمان، خلق کرد رهبران انقلابی و شایسته خود را دکتر قاسلو و دکتر سعید و هزاران کادر و پیشمرگ مبارز خود را فدا کرده است.»

«جنبش ما در طول بیست و دو سال گذشته از هیچ تلاشی در راستای نیل به آرمانهای انسانی خود باز نایستاده و نیک آگاهییم و معترف که در ره جویی در مسیر عدالت و دموکراسی از خطاها و اشتباهات بری نبوده و نخواهد بود، که این منطق زندگی آدمی است!! فدائیان خلق امروز نیز با قرار دادن تمامی اندوخته‌های خود در خدمت تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهنمان، همچنان در راه سعادت مردم ایران گام بر می‌دارند.»

بعد از قرائت پیام سازمان در سوئد پیام حزب دموکرات کردستان ایران در سوئد توسط نماینده این حزب قرائت شد در این پیام ضمن تبریک سالگرد بنیانگذاری سازمان از جمله آمده است:

تقدیر و تشکر از همه رفا و دوستان سازمان

رفقا و دوستان سازمان! برگزاری جشن سالگرد تاسیس جنبش فدائیان خلق، تجدید پیمان با آرمان‌های دموکراتیک، ترقیخواهانه و عدالتجویانه بنیانگذاران سازمان و همه رفاقی است که بخاطر رسیدن به اهداف شرافتمندانه جان باختند؛ و جلوه تداوم مبارزه سازمان در راه آزادی و بهروزی مردم ایران است.

شورای مرکزی سازمان، بدینوسیله تلاش‌های ارزنده همه شمارا که امسال نیز در نقاط مختلف جهان برای گرامیداشت این سنت بیست و یکساله به نمایش در آمد، ارج می‌نهد و دست تک‌تک شمارا بهر فاقهت و سیاس می‌فشارد. باشد که همه فدائیان خلق با دوستان و متحدان سازمان، این سنت دیرپا را در ایران آزاد و دموکراتیک با شکوه هر چه تمام بزرگ بدارند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اسفندماه ۱۳۷۱

گارباجف

روسیه بیا خواهد خاست

ترجمه از بیژن اقدسی



سپس از نو بنا کنند - مانند بلشویک ها، این نه یک سیاست، که یک ماجراجویی خطرناک است. من این را کاملا آشکار می گویم، به عنوان یک اخطار.

اشپیکل: آیا شما باین گفته خیلی تند نمی روید؟ گارباجف: وقتی من به چنین صراحتی سخن می گویم، ریسک بزرگی می کنم، اما من باید این کار را بکنم، همانطور که ماموران تجسس او اواخر مه، اوایل ژوئن ۱۹۹۱ آشکارا اعلام خطر کردند که آلمان ۲۲ ژوئن به اتحاد شوروی حمله خواهد کرد، این عمل آنان مورد تدر دانی واقع نشد، و من هم انتظار سیاسی سازی ندارم.

اشپیکل: آیا با وجود این، خطر جنگ داخلی همانند آنچه که در پیرامون روسیه جاری است، وجود ندارد؟ گارباجف: اینها مناقشاتی هستند که سابقا در خارج جریان داشتند؛ موقعیت اقلیت ها، مسئله مرزی - همه اینها مسائلی فوق العاده انجاری هستند. خطرناکترین بمب های طولیل الهدت، که در نتیجه فروپاشی اتحاد (شوروی) کار گذاشته شده اند، هنوز به مرحله انفجار نرسیده اند، اگر در همه جای روسیه آتش بر پا شود، بوجود آوردن یک نرداسیون جدید فوق العاده دشوار خواهد بود.

اشپیکل: شما درباره اشتباهات دیگران سخن گفتید چه چیزی رابه عنوان بزرگترین اعمال خود در دوره ای که هنوز در قدرت بودید تلقی می کنید؟ گارباجف: ما خیلی دیر به رژیم حزب پرداختیم. ما دشواری های روند اصلاحات در ندراسیون چند ملیتی را دست کم گرفتیم - تجزیه طلبان این ها را از جنگ ما درآوردند. در زمینه سیاست اقتصادی نیز می بایست اصلاحات در بخش کشاورزی، صنایع مواد غذایی و سبک را آغاز می کردیم.

اشپیکل: آیا اگر شما اسرار دولتی مربوط به قتل هام کاتین و صورت جلسه قرار داد میتلر - استالین را زودتر فاش می کردید، حزب زودتر در هم می شکست و اتحاد (شوروی) زودتر فرو می پاشید؟ گارباجف: ما به این واقعیت که صورت جلسات مخفی موجودند مدت ها پیش، در همان سال ۱۹۸۹ در دومین کنگره نمایندگان خلق، اعتراف کرده بودیم. ما تنها مدارک رسمی را کم داشتیم، آنچه به کاتین بر می گردد، پوשה مشهور بلاناوله قبل از کارخانه گیری من پدیدار شد. من تازه در دسامبر ۱۹۹۱ از وجود آن اطلاع حاصل کردم، درست مانند یلتسین و یاکوفوف.

کالا هم روشن است که چرا ما مدت زمانی طولانی نتوانستیم چیزی پیدا کنیم، چرا که دقیقا همین پوשה در کنار سایر اسناد حاوی دستور ریاست کارگ، پ. بود، که می بایستی طبق دستور نابود می شدند. ما در همان سال ۱۹۹۰ به محض اینکه به لیست تیرباران شدگان بر خوردیم، سریعاً آن را در اختیار طرف لهستانی قرار دادیم. اینها آن زمان انتشار یافت، من چه علاقه ای می توانستم داشته باشم به اینکه این پوשה را مخفی کنم؟ آخر ما که در آن مقطع زمانی از جنایات به مراتب بیشتری از استالین پرده برداشته بودیم.

اشپیکل: یک تصمیم هیئت سیاسی استالینی، امضا شده از طرف تمامی اعضا آن، مبنی بر اینکه بیش از ۲۵ هزار لهستانی می بایست تیرباران شوند، یک بعد جدید بود. این می توانست به تمامی حزب کمونیست ضربه بزند. گارباجف: نه، استالین، استالین است. در مسئولیت کاری که او انجام داده است، کمونیست ساده و نیز تمامی حزب شریک نیستند، در غیر این صورت امکان دارد ما خوب و بد را کاملا با هم مخلوط نکنیم، چرا باید یک کارگر معدن خوب صنایع فولاد شریک جرم جنایات این گروه باشد؟ او که چیزی از آن نمی دانسته است.

اشپیکل: در خانواده شما هم قربانیان استالینیسم وجود داشته اند. گارباجف: بله، پدر بزرگ همسر من تیرباران و پدر بزرگ من محبوس شد، ولی زنده ماند. اشپیکل: بر دیوار بعضی از خانه های مسکو می شود چنین خواند: "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی زنده است". آیا شما می توانستید این را امضا کرده باشید؟ گارباجف: کشور زنده است، اتحاد شوروی سابق مرده و این بی معنی است که امیا آن خواسته شود، اما بدون همکاری در یک جامعه مشترک با اتحادیه، هر چه می خواهد نامیده شود، نه اوکراین و نه روسیه نمی تواند با یکدیگر

بالا برگذاختن و خش می کردند و در پائین هم چیز آرام باقی می ماند، این وضع حتی صد کیلومتر آن سو تر از مسکو نیز حاکم بود.

اشپیکل: همه اینها برای برخی ها بسیار کند و برای برخی دیگر بسیار رادیکال بود. گارباجف: و گارباجف میبایست کشتی پرسترویکا را از میان صخره ها هدایت میکرد. در این شرایط نمی شد چیزهایی را اعلام کرد که مردم برایش آمادگی کافی نداشتند. امکان داشت مرا دیوانه بخوانند، مردم پراکنده شوند و همه چیز به یک جنگ داخلی منتهی شود. می بایستی بر دباری به خرج داد تا بوروکراسی حزبی چنان از قدرت خلع شود که دیگر نتواند چرخ تاریخ را به عقب برگرداند. در آخر دیگر حزب نیروی کافی برای حرکت نداشت، قدرت آن فقط آنجا بود که برای آخرین بار یوق را به صدا در آورد.

اشپیکل: بنابر این قدرت بالا بهار هم شکسته بود. گارباجف: یو در این حالت رهبری روسیه از پشت به من خنجر زد. پارلمان روسیه این امر را تصریح کرد و تکنیکه توانیش را بر قوانین اتحاد (شوروی - کار) ارجحیت داد. من مقابل یلتسین ایستادم، باین ایده، که اتحاد (شوروی) بدون روسیه و روسیه نیز بدون همکاری با سایر جمهوری ها قادر به حیات نیست، در غیر این صورت روسیه نیز در معرض خطر راه درناکی است که باقی اتحاد (شوروی) طی خواهد کرد. دقیقا همان چیزی که من در آن زمان، در دسامبر ۱۹۹۱ پیش بینی کرده بودم، وقوع پیوست. در نتیجه، تکوین این اوضاع نه یک تصادف و نه یک ضرورت تاریخی بود.

اشپیکل: اتحاد (شوروی) مرده است... گارباجف: اما کشور هنوز زنده است. بیمار، مجروح، فلج ولی هنوز زنده است. آنچه از روابط سابق اتحاد (شوروی) باقی است، ما را از بروز یک فاجعه مصون می دارد. اوکراین، قزاقستان، لیتوانی - هم در بحرانی همین گرفتارند.

اشپیکل: اما در همین اواخر کمونیست ها در انتخابات آزاد در لیتوانی پیروز شده اند، شما چه آرزوی دیگری دارید؟ گارباجف: اینها چیزی که آنجا پیروز شده اند، دیگر کمونیست های قدیمی نیستند. آنها حتی دیگر خود را به آن اسم هم نمی نامند، تمامی ما، حتی یلتسین و کراچوک کمونیست های سابق هستیم. رئیس جمهور ارمنستان، تر ستر و سیان در گذشته یک زندانی بود.

اشپیکل: میخائیل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

اشپیکل: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟ گارباجف: باخر شایل سرگویچ، شما دیگر کمونیستید؟

آنچه در زیر از نظر خوانندگان گرامی کار می گذرد، ترجمه مصاحبه هفته نامه آلمانی اشپیکل با میخائیل گارباجف می باشد. گارباجف در این مصاحبه از جمله پیرامون سیاست یلتسین، شانس خود برای بازگشت به قدرت، و روندهای عمده جاری در روسیه سخن میگوید.

اشپیکل: میخائیل سرگویچ، شما به روسیه خدمات شایانی کرده اید، ولی اینک روسیه در خطر است، شما کی دست به کار خواهید شد؟ گارباجف: چنین نیست که من کاری انجام دهم. من وضعیت را تجزیه و تحلیل می کنم و نسبت به مسائل مهم با حساسیت تمام موضع میگیرم. در این رابطه من مانند یک ناظر خارج بی علاقه نیستم، زیرا هر اتفاقی که امروزه رخ میدهد با اقداماتی مرتبط است که من در سال ۱۹۸۵ آغاز کردم. دوران گارباجف سر نیامده است بلکه تازه بدرستی آغاز می شود.

اشپیکل: اما شما دیگر منشا تغییر در کشورتان نمی شوید. گارباجف: من خواستار آن نیستم که ساختارهای امروزی قدرت در هم ریخته شوند و یا فقط تغییر شان دهم. من از آنهایی که در قدرت تنها می خواهم که از خود شجاعت در تصمیم گیری نشان دهند و من جای چنین شجاعتی را خالی می بینم. شجاعت آنها تنها در این خلاصه شده که انتقادات مرا فراموش می کنند.

اشپیکل: این امر به چه نتایجی منجر میشود؟ گارباجف: نتیجه این امر آن است که یلتسین رئیس جمهور خود را کاملا منزوی کرده است - ما می گوئیم او خود را در گودالی گرفتار کرده است. در واقع او می بایست از تمامی اینها درس بگیرد. اقتدار او هنوز هم یک عامل بالقوه است. ساده ترین راه این می بود که او در می یانت که انجام وظیفه ای ملی بر عهده او است. هر کس از خود می پرسد که چرا رئیس جمهور سکوت می کند.

اشپیکل: آخرا و چکار باید بکند؟ گارباجف: او باید نقش خود به عنوان رهبر ملی را در یاد و به آن عمل کند. ولی هیچکس نمی داند که او چه می خواهد. هر چه زمان بیشتر می رود شانس ما مانند جرم ساهری آب میروند. درام مطابق آثار بالزاک اجرا می شود ولی به سرست رنگ و بوی آثار شکسپیر را به خود می گیرد.

اشپیکل: و شما چکار می کنید، آیا شما مجددا خواهان یک مقام سیاسی هستید؟ گارباجف: اگر این مبارزه جویی برای من پیش می آمد، مسلما می توانستم یک وظیفه سیاسی بر عهده گیرم، اما کار بدون یک مقام رسمی نیز ممکن است، این را می شود در مورد تنگ شایو پیگ دید. او بدون داشتن یک مقام رهبری تاثیر خود را به جای می گذارد. اگر از جامعه نشانه هایی مبنی بر اینکه گارباجف باید مسئولیت بیشتری بر عهده گیرد، مشاهده شود، از آن شانه خالی نخواهم کرد.

اشپیکل: شما از کجا انتظار چنین علائمی دارید؟ گارباجف: در شورای عالی، در دولت و در خارج از پارلمان قربانانی وجود دارند که در جستجوی شکل خود می باشند. نزدیکتر از همه نسبت به من چپ میانه قرار دارد. من امکانات بسیاری در اتحادیه شهر و ندان می بینم. طرفداران بالقوه من در آنجا هستند، من با آنها ارتباطی ترار می کنم. یلتسین با تعلق دیالوگ خود با اتحادیه شهر و ندان من رکنب بزرگترین خطا شده است.

اشپیکل: اما شما در این اواخر با کنستانتین باراوی، نماینده مطایعه کاران آزاد نیز در انتظار عمومی ظاهر شده اید. گارباجف: من در همه جا نیروها و شخصیت هایی می بینم که میتوانم با آنها همکاری کنم. در میان محافظه کاران نیز انزادی هستند که باید جدی گرفته شوند و خود را از مسئولیت در قبال کشور کنار نمی کشند. طیف وسیعی موجود است که میتوان بر آن تکیه کرد.

اشپیکل: آیا یلتسین هم جزو آنهاست؟ گارباجف: او ضعف نوعی شمایل تزاری را دارد، که برای مردم ما بیگانه نیست؛ شما باید به راحتی م را باور کنید، من رئیس جمهور شما هستم. هنوز به او گوش فرامیدهند، اما این خطا بکنه می شود. باید مانند آلورین رئیس جمهور شیلی رفتار کرد - من در همین اواخر آنجا بودم، او هم بر دمکرات مسیحی ها و هم بر سوسیالیست ها اتکا می کند. به این طریق او بیشترین موفقیتها را در زمینه اصلاحات داشته است.

اشپیکل: رابطه شخصی شما با یلتسین چگونه است؟ شما هنوز در میدان سرخ به او تعینت میگوئید؟ گارباجف: من حتما به او تعینت می گفتم، اگر با او ملاقات می کردم، ما آخرین برخورد هایمان را از طریق مطبوعات داشته ایم، او که حتی با مشاورین انتصابی خود نیز کنار نمی آید، چطور می خواهد پیشنهاداتی م را بپذیرد؟ اما گاه گاه من پیشنهاد هایی به او میکنم، من بکوتنه بین و تجزیه شده نیستم.

اشپیکل: شما به عنوان دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۵ یکی از قدرتمندترین مردان جهان بودید شما روند دیگر دسیس صلح آمیز بزرگی را آغاز کردید، که متوقف شد، رویدادها به خونریزی منجر شدند. چرا این تحول کنترل شده امکان تداوم نیافت؟ گارباجف: تغییر آگاهی بزرگی به وقوع پیوسته بود. در جریان کوشش برای پیاده کردن تفکر نو در عمل، انقلاب از بالا متوقف ماند. زمان به حساب آوردن تمام مردم رسیده بود تا بالا بیایند و آنها را دیگر رونداصلاحات را خفه کنند.

اشپیکل: سیستم آغاز به مقابله کرد. گارباجف: بوروکراسی حزبی به وزارتخانه ها، تمامی این مالکان تیول مقاومت می کردند. هم چنین اداره کنندگان صنایع و مدیران کارخانه ها ترس از دست دادن قدرت شان را داشتند. اوضاع مانند طوفان در تایگا بود؛ در

زندگی کنند، دیگران هم که به هیچ وجه قادر به آن نیستند. حصارها و مرزهایی را که شفاف نیستند، به هر حال باید بعد از میان برداشت، همانطوری که اکنون موشکها از میان می روند.

روسم، اوکراینی ها و بلاروسها شاخه های یک درختند. در روسیه نیز ما تنها روس نیستیم، بلکه اتباع روسیه هستیم. این یک جامعه مشترک بسیار منحصربه فرد است. هر یک از ما خون سه، چهار یا پنج خلق را در خود دارد.

اشپیکل: شما هنگام دارا بودن مقام خود اجازه استفاده از تهر را حداقل در لیتوانی و قفقاز دادید، آیا امروزه قهر نظامی به منظور حفاظت از جان اتباع روسیه در مناطق همسایه خارج از آن مجاز است؟

گارباجف: باید! در مورد لیتوانی، وقایع رخ داده در آنجا بر وجدان من سنگینی نمی کنند. بر قراری وضعیت فوق العاده در باکو به دلیل تکوین بسیار خطرناک اوضاع غیر قابل انصراف بود. من اعمال قهر برای حفاظت از جان اتباع روسیه را اساسا رد می کنم، به استثنای تشکیل واحدهای عملیات سریع، آنها باید در چارچوب جامعه مشترک المنافع دولت های مستقل به کار برده شوند - از طریق اتخاذ تصمیم جمعی در شورای امنیت جامعه مشترک المنافع دولت های مستقل بر اساس الگوی سازمان ملل متحد - و تنها هنگامی که به هیچ وجه راه دیگری وجود ندارد. نامیبیا، افغانستان، نیکاراگوئه - تمامی مناقشات گذشته را ما تنها به این دلیل توانستیم بخوابانیم که موفق شدیم تصمیمات موثر سیاسی را پیش ببریم.

دخالت نظامی همواره اوضاع را تشدید کرده و ویرانیهای عظیم و قربانیان بسیار طلبیده، که به دهه ها بیگانگی منجر شده است. به این دلیل من تنها به امکانات سیاسی می اندیشم. اما هنگامی که می توان نیروهای متخاصم را از هم جدا کرد، تا مانع بروز بدترین حالات شد، من موافق دخالت نظامی هستم.

اشپیکل: به عنوان مثال در یوگوسلاوی؟ گارباجف: آری، اما من نمی توانم سیاستمدارانی را درک کنم که به ما توصیه می کنند ابتدا بمب افکنها را به پرواز در آوریم. آخر این تصمیم، وقتی که نتیجه آن همانطور که در ویتنام شاهد بودیم، حذف کامل برخی از مناطق از روی نقشه جغرافی باشد، درست نیست. این اقدام تنها می تواند منازعات خونین تری را در پی داشته باشد. ظاهرا بعضی از سیاستمداران تمایل بسیاری به این اقدامات دارند، در حالی که آنها هیچگاه و به هیچ وجه در ممالک خودشان به این شیوه برخورد متوسل نخواهند شد.

اشپیکل: میخائیل سرگویچ، شما در آلمان سرمایه اعتماد عظیمی انباشته اید، آیا فکر می کنید دولت کنونی روسیه خواهد توانست از این سرمایه سودجوید؟ گارباجف: نه. همکاری با آلمان می توانست به گونه ای کاملا دیگر باشد. اما نباید یاس بوجود داد، نه در میان مردم و نه در دولت. روسیه شریکی طبیعی و مهم است. سن پترو پاولوف ساله همکاری میان دو کشور وجود دارد. روسها همانند آلمانها، جهان همانند اروپا، به همکاری روس-آلمانی نیاز دارند.

اشپیکل: مشخصا به چه چیزی می توان دست یافت؟ گارباجف: باید به مناطق رنت کسی که درون آنجاست، پیروزمند است. اما در اینجا روانشناسی آلمانی به میان می آید: همه چیز باید به نظم و ترتیب صورت گیرد، از طریق تصمیم گیری از بالا در سطح دولتی.

اشپیکل: آیا این روانشناسی روسی نیست؟ اکنون بر خیم ادها می کنید که شرب اصلا موظف به کمک به روسیه است. آیا بر عکس، یاری ران تر و بهبود بخش تر نمی بوداگر فشار ملایم از خارج روسیه را به خودیاری وامی داشت و کمک به برترین امور محدود می شد؟

گارباجف: ما در بن کرفرانسی بر گزار کردیم، تحت شعار "سرمایه گذاری در روسیه، سرمایه گذاری در آینده". این سرمایه هدف نیست، بلکه اساسا زمینه اجرادارد. چرا که گذاری به این دشواری و در این بعد در تاریخ شناخته شده نیست، اینجا هیچ یک از مدل های سابق ما را یاری نمی دهند. همکاری دارای اهمیت اساسی است.

اشپیکل: منظور ما کمک است، نه همکاری اقتصادی. گارباجف: چه کسی می تواند میلیاردها دلار لازم برای این کشور فول پیکر را خرج کند؟ وقتی که از کمک سخن می رود نباید اجازه قتل داده شود. مگر این بیست و چهار میلیارد دلار کمک کشورهایی صنعتی که حدام از آن سخن می رود، چیست؟ آلمانها این را برای بهتر میدانند، وقتی که آنها به تنهایی صد میلیارد دلار در سال فقط برای آلمان شرتی نیازمندند. بر این اساس ۲۴ میلیارد دلار برای روسیه بزرگ یک طره است. اینها همه تنهایی و سربایی است.

اشپیکل: روسیه با توجه به وسعت، تاریخ، پتانسیل و زمینه چند فرهنگی خود به زمره قدرتهای جهانی تعلق دارد. چگونه می توان این قدرت را مجددا کسب کرد - و چه هنگام؟

گارباجف: این امر پیش از هر چیز بستگی به این دارد که ما در این دوراهی که اکنون در مقابلش ایستاده ایم کدام راه را در پیش بگیریم. اگر هرچ و مرج کنونی ادامه یابد، میزان زیادی از این پتانسیل ارزش خود را از دست خواهد داد.

اشپیکل: روسیه این دوران را از سر می گذراند... گارباجف: ... من اطمینان دارم که روسیه مانند تفتوس از زیر خاکستر به پا خواهد خاست و تغییر خواهد کرد. هیچکس نباید در این مورد نگران باشد. این سرزمین به کرات تحت فشار قرار گرفته، اما تمامی اینها را از سر گذرانده است. ولی من آرزو می کنم که این امر هر چه سریعتر صورت گیرد. هر کس بپندارد که خواهد توانست مسائل را از طریق بازگشت مطلق گرایی یا چنانچه برخی از رهبران ما فکر می کنند از طریق حکومت مقتدر تحت کنترل

بیانیه مشترک

مومنان عزیز:

سیاست ترور جمهوری اسلامی علیه مخالفین سیاسی خود در خارج از کشور هر روز ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. شکست برنامه بازسازی اقتصادی، سست تر شدن پایه‌های اجتماعی رژیم و انزوای سیاسی آن در جهان، گرایش جمهوری اسلامی را به ترور و سرکوب تشدید کرده است.

تاکنون بیش از سی نفر از مخالفین و سران اپوزیسیون در خارج از کشور بدست عوامل جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند. چند ماه پس از ترور برلین، در ماه ژانویه ۱۹۹۳، پلیس آلمان فردی را دستگیر می‌کند که قصد ترور مهدی حائری، یکی از روحانیون مخالف رژیم را داشت. بر اساس اطلاعاتی که پلیس آلمان بدست آورده، جان عده‌ای دیگر از مخالفان جمهوری اسلامی، ۱۲ نفر در فرانسه، ۱۱ نفر در آلمان، ۳ نفر در انگلستان و یک نفر در آمریکا، در خطر است. پلیس آلمان با مراجعه به تعدادی از این افراد رسماً آنان را از خطری که جانشان را تهدید می‌کند، آگاه ساخته است. اما اینگونه مراجعات فردی بدون موضع گیری قاطع سیاسی دولتی اروپایی، نه می‌تواند امنیت افرادی را که جانشان در خطر است حفظ کند و نه جمهوری اسلامی را از ادامه سیاست ترور باز دارد.

محاشات دولت‌های بزرگ بخاطر منافع اقتصادی و ملاحظات دیپلماتیک، باعث جری‌تر شدن عملیات تروریستی وی گردیده است. قتل اوگور مومجو، ستین امک و توران دورسان روزنامه‌نگاران ترک و فرمان قتل سلمان رشدی نشان میدهد که تروریسم جمهوری اسلامی فقط مخالفین ایرانی را در بر نمی‌گیرد. تنها راه مقابله با این سیاست، اعمال فشار ملی و بین‌المللی برای عقب نشاندن جمهوری اسلامی و پایان دادن به تروریسم دولتی است.

هم میثان:
 برای پایان دادن به محاشات دولتی اروپایی، نقش ایرانیان خارج از کشور و پیشقدم شدن آنان تعیین کننده است. وظیفه ماست تا با کوشش متحد خود و با اتکا به افکار عمومی جهانیان و نهادهای حقوق بشر، دولت‌های بزرگ را واداریم تا در برابر چالش جمهوری اسلامی به مقابله برخیزند و با اقدامات مشخص و موثر سیاسی، جمهوری اسلامی را به رعایت موازین و قوانین بین‌المللی مجبور سازند.

مخالفان و دگر اندیشان ایرانی که حکم قتلشان صادر شده است، پناهندگان سیاسی و قانوناً تحت حفاظت دولتهای کشورهای محل اقامت خود هستند. حکم قتل این افراد، از نظر حقوقی و انسانی و موازین

بیانیه مشترک در رابطه با محاشات و حدت سه سازمان

بلوکی از طبقات که طبقه کارگر در آن نقش رهبری کننده را داشته باشد و راه کارگر بر قرار گرفتن کارگران و زحمتکشان در راس قدرت حکومتی تاکید می‌کنند. در مورد نام سازمان آتی سازمان چریکهای فدایی خلق و سازمان فدایی خواهان انتخاب نام جدیدی هستند و راه کارگر معتقد است اتخاذ تصمیم در این مورد نباید مشروط به توافق قبلی شود.

سازمان چریکهای فدایی خلق و سازمان فدایی متن توافقنامه تدقیق شده را برای وحدت کانی میدانند اما راه کارگر اختلافات در مورد خرد بورژوازی و بلوک طبقاتی دولت آترناتیو را واجد اهمیت بسیار و تشکیل کنفره مشترک را به حصول توافق حول آنها مشروط می‌داند. سه سازمان اعلام کرده‌اند که حل اختلافات در سطح کنونی امکان پذیر نیست و باید مباحث موجود در تمامی سطوح تشکیلات انجام گیرد و سازمانها بطور مستقل در مورد امر وحدت تصمیم گیری کنند.

آزادی مالکیت خصوصی در مقیاس بنگاههای کوچک، تنظیم روابط بین الملل بر پایه همبستگی با جنبشهای کارگری، سوسیالیستی، دموکراتیک، نمینستی، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت ملل و حفظ محیط زیست.

بیانیه ضمن اشاره به اختلافات، محورهای اساسی این اختلافات را پیرامون شیوه برخورد با خرد بورژوازی، بلوک طبقاتی دولت آترناتیو، نام سازمان آتی و نشریه آن خلاصه می‌کند. در مورد نخست سازمان چریکهای فدایی و راه کارگر اعتقاد دارند که ضمن پشتیبانی و تقویت مبارزات خرد بورژوازی برای آزادی و دموکراسی، نباید خواستهای طبقاتی این نیروها را سازماندهی کرد. اما سازمان فدایی به سازماندهی خواستهای دموکراتیک و مترقی این نیرو معتقد است. در مورد محور دوم سازمان چریکهای فدایی خلق بر بلوک طبقاتی کارگران و زحمتکشان، سازمان فدایی، بر

سه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، فدایی ایران و کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بیانیه مشترکی در مورد مباحثات وحدت بین خود منتشر کردند. مطابق این بیانیه در حوزه مناسبات و حیات تشکیلاتی توافق کامل بین سه سازمان حاصل شده است. در حوزه سیاسی - نظری نیز توافقاتی به تصویب کمیته‌های مرکزی سه سازمان رسید که مهمترین رئوس آن عبارتست از: تصریح بر ماهیت کارگری و کمونیستی سازمانهای فوق، براندازی سرمایه‌داری و گذار به سوسیالیسم، سرنگونی جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب توده‌ای، تشکیل مجلس موسسان متکی بر انقلاب، خود حکومتی وسیع مردم، برقراری آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی و حق رای همگانی و برابر، جدایی دین از دولت و نفی دولت ایدئولوژیک، دفاع از حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدایی کامل، برقراری مالکیت اجتماعی در کلیه مواضع کلیدی اقتصادی و

راه کارگر؛ اصول و واقعیت‌ها

تنها مبنای دموکراتیک برای تعیین رابطه ملت هاست ولی ساده لوحی است که اثر شاه کلید همه مشکلات مرزی عالم بدانیم. این اصل به همه سئوالات پاسخ نمیدهد، مثلاً مدت سکونت چقدر باید باشد و مثلاً اگر بخواهیم هر سکونت کمتر از یک یا دو نسل را نامعتبر دانیم مجبور خواهیم شد برخی پاک سازی های قومی را بعنوان نمونه در یوگسلاوی صحه بگذاریم و اگر تنها سکونت بیش از این مدت را معتبر بشماریم باز ناگزیر پاره‌ای از قلدیرهای تاسیوئالیستی مورد تایید قرار خواهد گرفت.

در انتهای مقاله آمده است که سرمقاله مزبور بی آنکه در صدد اثبات یا انکار حق حاکمیت ایران بر این جزایر باشد طرحهای آمریکا را در منطقه مورد بررسی قرار داده و نتیجه گیری کرده است که بحران ابوموسی درست حالا بعد از فراغت از مشکل عراق علم میشود. بدون برجسته تر نشان دادن خطر جمهوری اسلامی در خلیج فارس، آمریکا نمیتوانست حضور دائمی و مستقیم خود در منطقه را توجیه کند. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی نیز بعد کافی بهانه بدست طرف میدهد ولی اگر جمهوری اسلامی نیز بهانه‌ای نمی‌داد باز بهانه‌های دیگری پیدا میشد.

حرکت همه رقبایش باشد و در نتیجه دچار وضع رقت انگیزی خواهد شد. مقاله مزبور در توضیح این روش برای مثال مخالفت این سازمان با سیاست تعادل اقتصادی و رفسنجانی که همسو با جناح مستضعف پناه رژیم است و ضرورت مبارزه با انقلاب فرهنگی خامنه‌ای که در عمل بسود رفسنجانی خواهد بود را ذکر کرده است.

در پاسخ به انتقاد پیرامون موضوع دفاع از تمامیت ارضی ایران آمده است که مخالفت سازمان مزبور با ناسیونالیزم ایرانی این نیست که چرا از موجودیت یک کشور و مشروعیت مرزهای سیاسی آن دفاع میکند بلکه این است که چرا آنها اصل تمامیت ارضی را بر اصل حاکمیت مردم مقدم می‌شمارند. از نظر سازمان منجموم تمامیت ارضی ایران در رابطه با کشورهای دیگر معنی دارد و حق تعیین سرنوشت در رابطه با مردم خود آن کشور. در ادامه مقاله در پاسخ به استناد انتقادکنندگان به اکثریت عرب ساکنین این جزایر در زمان اشغال از طرف رژیم شاه و ارتباط آن با حق تعیین سرنوشت و نفی این اشغال که از طریق سازش با انگلیس صورت گرفت آمده است: اگر چه حق تعیین سرنوشت ملل

نشریه راه کارگر در سرمقاله شماره ۹۹ خود در رابطه با بحران مربوط به جزایر ابوموسی اتخاذ موضع کرده و در آن با مورد بحث قرار دادن سیاست آمریکا در رابطه با خلیج فارس و ارتباط بحران مربوط به این جزایر با این سیاست، بر ضرورت مبارزه، با طرحهای آمریکا تاکید گردیده بود. اما این موضع گیری با انتقاداتی مواجه شد که در آنها از همسویی این موضع گیری با مواضع نیروهای جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان و لیبرالها سخن رفته است و طرح گردیده بود که این نوع موضع گیری در ادامه خود خواهد ناخواه به همسویی با جمهوری اسلامی میانجامد. در این انتقادات همچنین به تناقض موضع گیری اخیر با اصول اعتقادی این سازمان در رابطه با حق تعیین سرنوشت تاکید شده است.

نشریه راه کارگر در آخرین شماره خود مقاله‌ای در دفاع از مواضع متخذه در سرمقاله شماره ۹۹ خود و در پاسخ به انتقادات مطروحه به این سرمقاله درج کرده که در آن آمده است: موضع سیاسی درست موضعی نیست که الزاماً مورد مخالفت دشمنان و مخالفان ما باشد. اگر کسی چنین امری را نپذیرد خواهد کوشید حرکتی کند که در آن واحد هکس

کمیته همبستگی هامبورگ و برگزاری جلسات سخنرانی

کمیته همبستگی در هامبورگ متشکل از فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جمهوری خواهان ملی ایران و حزب دموکراتیک مردم ایران از چندی پیش در راستای تقویت نزدیکیهای نظری و همکاری‌های عملی در میان نیروهای اپوزیسیون و نیز در جهت فنی ساختن بحث‌های مربوط به جنبه‌های مختلف حیات سیاسی و اجتماعی ایران فعالیت‌هایی را آغاز نموده است. از جمله این فعالیت‌ها برگزاری سخنرانیها و بحث‌هایی با حضور چهره‌ها و افراد مختلف اپوزیسیون می‌باشد.

اولین محوری که در سخنرانیها و بحث‌ها به آن پرداخته شده "مسئله ملی و منجموم تمامیت ارضی در ایران" میباشد. تاکنون آقایان بابک امیر خسروی (از حزب

کانادا؛ اعتصاب غذا

بیش از ۱۰۰ نفر پناهنده ایرانی که تقاضای پناهندگی آنها از جانب اداره مهاجرت کانادا پذیرفته نشده، در شرف اخراج از این کشور می‌باشند.

این عده با وجود مراجعات مکرر به مقامات دولتی کانادا، جواب روشنی از جانب آنها دریافت نکرده‌اند. عده‌ای از آنها بعنوان اعتراض دست به اعتصاب غذا زده‌اند. آنها اعلام کرده‌اند تا روشن شدن وضعیتشان به تحصن و اعتصاب غذا ادامه خواهند داد.

اعتصاب غذای ده پناهنده در چند روزنامه و رادیو محلی منعکس شده است. صداهای ایرانی و کانادایی به حمایت از اعتصاب کنندگان دست به تظاهرات زده‌اند. بر طبق آخرین اخبار رسیده، دفتر وزیر مهاجرت کانادا طی یک مکالمه تلفنی خواستار اسامی پناهندگان اعتصابی شده است.

با اشتراك کار ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمائید.</p> <p>مایلیم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانابنویسید) Name: _____ Address: _____</p>	<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۵ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۵ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 37050198 کدبانک: Stadtparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzben Postfach 1810 5100 Aachen Germany</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290.</p>
شش ماهه	یکساله							
اروپا ۴۵ مارک	۹۵ مارک							
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							

از سرگیری قریب الوقوع مذاکرات درباره آینده آفریقای جنوبی

در یک اجلاس تدارکاتی دو روزه که هفته گذشته با شرکت ۴۶ گروه سیاسی آفریقای جنوبی در ژوهانسبورگ برگزار شد، توافق به عمل آمد که تا ۱۵ آوریل مذاکرات چند جانبه در باره آینده سیاسی این کشور از سر گرفته شود. در اجلاس هفته گذشته که طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی مختلف، از گروه چپ رادیکال کنگره پان آفریکن گرفته تا حزب دست راستی افراطی محافظه کار، شرکت داشتند. اما این نشست به اصل مباحث نپرداخت و تنها موافقت از سرگیری مذاکرات را تعیین کرد. به گفته نماینده دولت آفریقای جنوبی، نیز دبیر کل کنگره ملی آفریقا، صرف این توافق یک پیروزی برای روند دمکراتیزاسیون در این کشور محسوب می‌شود. مذاکرات چند جانبه در باره آینده آفریقای جنوبی، برای نخستین بار در دسامبر ۱۹۹۱ آغاز شد.

اینک قرار است یک کمیته تدارک‌مطلبک از نمایندگان همه ۴۶ گروه حاضر در اجلاس هفته گذشته، دستور کار مذاکرات را تهیه کند. نکته مهم در اینجا است که نه کنگره پان آفریکن و نه حزب محافظه کار که دو سوی طیف نیروهای سیاسی آفریقای جنوبی را تشکیل می‌دهند، در دوره‌های قبلی مذاکرات شرکت نداشته‌اند و برای نخستین بار به گفتگوها می‌پیوندند. طی ماههای گذشته، میان کنگره ملی آفریقا و دولت اقلیت سفید پوست به ریاست دکلرک در مورد رئوس راه حل سیاسی برای آفریقای جنوبی توافق حاصل شده است. این توافق، شامل برگزاری انتخابات مجلس موسسان در آغاز سال ۱۹۹۴ و یک دوره پنج ساله زمامداری یک دولت ائتلافی با شرکت همه احزاب عمده آفریقای جنوبی است. نیروهای دست راستی، مخالف این توافق‌اند. حزب محافظه کار که طرفدار جدایی نژادی (آپارتاید) است، به همراه جنبش اینکاتا، نماینده سیاسی قبیله سیاهپوست زولو به رهبری بوتله‌زی، جبهه مخالفت با توافق‌های کنگره ملی آفریقا و دولت پرتوریار تشکیل داده‌اند. این دو حزب، در صورت برگزاری

انتخابات، تعداد کمی نماینده به مجلس موسسان خواهند فرستاد و در نتیجه، تأثیر چندانی بر قانون اساسی آینده نخواهند گذاشت. دولت‌های محلی مناطق به اصطلاح خودمختار سیاهپوستان، موسوم به "هوم‌لند"ها نیز موضع احزاب دست راستی را دارند. توافق‌های کنگره ملی آفریقا و دولت دکلرک بدین معنی نیست که دیگر میان این نمایندگان اصلی جامعه سیاهپوستان و سفیدپوستان آفریقای جنوبی، اختلافی در مورد آینده این کشور وجود ندارد. با اینکه هر دو طرف بسود طرف مقابل انعطاف نشان داده‌اند، برخی نکات هنوز مورد اختلاف است. بعنوان نمونه، کنگره ملی آفریقا یک دوره پنج ساله حکومت ائتلافی را که حکومت واقعی و اقلیت اکثریت سیاهپوست را تا پایان دهه ۹۰ به تأخیر خواهد افکند، پذیرفته است و دولت دکلرک نیز دیگر بر داشتن حق وتو در تدوین قانون اساسی پافشاری نمی‌کند. اما از یک سو دولت دکلرک می‌گوید در نظام سیاسی آینده هر چند ممکن است اختیارات را به دولت‌های ایالتی و محلی منتقل کند تا برخی مناطق در کنترل سفیدپوستان بماند، و از سوی دیگر، کنگره ملی آفریقا خواهان یک دولت مرکزی مقتدر است زیرا پیش‌بینی می‌کند که بتواند اکثریت پارلمان و مقام رئیس جمهور را بخود اختصاص دهد.

اما حتی اگر دولت مرکزی نیز اختیارات گسترده داشته باشد، رئیس جمهور آینده در انتخاب اعضای کابینه خود تام‌الاختیار نخواهد بود. در این کابینه، نیروهای سیاسی مختلف حضور خواهند داشت. میان کنگره ملی آفریقا و دولت دکلرک در مورد فرمول تعیین شده ترکیب کابینه اختلاف وجود دارد. نمایندگان دولت حزب ملی دکلرک پیشنهاد کرده‌اند تنها احزابی که حداقل ۱۵ درصد آرا را به دست آورده‌اند به کابینه راه یابند. اگر این پیشنهاد عملی شود، دولت آینده یک دولت دوحزبی متشکل از کنگره ملی آفریقا و حزب ملی خواهد بود. در مقابل، کنگره ملی آفریقا خواهان آن است که حد نصاب آرا

دموکراسی هند مورد تهدید هندوهای افراطی است

ادامه از صفحه ۱۲

قدرت دولتی است. این وزیر هندی می‌گوید رئیس دولت هند بدون هیچگونه مقاومتی نظاره‌گر آن است که چگونه "این جنبش لجام گسیخته همه جا پیش می‌رود تا هند را به یک دولت فاشیست و تئوکراتیک تبدیل کند". واقعیت این است که هم حزب ملی باید هر چه گسترده‌تر باشد، در چنین دولتی، حزب ملی دکلرک نه بعنوان حزب یک کنگره ملی آفریقا در قدرت، بلکه تنها بعنوان یکی از چند حزب کوچک موثف با کنگره ملی آفریقا حضور خواهد داشت. نکته دیگر مورد اختلاف، اختیارات کابینه است. دولت پرتوریای می‌گوید تصمیمات رئیس جمهور باید به تصویب سه چهارم اعضای کابینه ائتلافی برسد. اگر چنین شود، حزب ملی عملاً در کابینه حق وتو خواهد داشت. در مقابل، کنگره ملی آفریقا پیشنهادی ارائه داده است که طبق آن، اکثر تصمیمات رئیس جمهور نیازی به تأیید کابینه نخواهد داشت و تنها موارد استثنای موارد ویژه مانند اعلان جنگ یا اعلام حکومت نظامی خواهد بود که مستلزم دوسوم آرای وزارت است. حتی اگر نکات مورد اختلاف مزبور نیز حل شود، موافقت دو سمت چپ و راست طیف احزاب با این توافق‌ها تضمین شده نیست. در درون صفوف کنگره ملی آفریقا نیز مخالفت با نشان دادن انعطاف بیش از حد در قبال سفیدپوستان، گسترده است. در این سازمان، اصطلاح "تقسیم قدرت" بابارمنی همراه است زیرا "تقسیم قدرت" را به معنی دادن حقوق فیردمکراتیک به سفیدپوستان برجسته‌ترین مخالفان توافق‌های اخیر، هاری گوالا مبارز سیاسی پرسابقه، حضور رهبری حزب کمونیست و صدرسازمان ایالتی کنگره ملی آفریقا در منطقه میدانند. او می‌گوید: "ما قبل از اینکه به مصاف دشمن برویم داریم در مورد شرایط صلح مذاکره می‌کنیم". از نظر گوالا، دوره پنج ساله حکومت ائتلافی، بیس از حد طولانی است

روسیه؛ دیکتاتوری فردی یا دموکراسی پارلمانی؟

ادامه از صفحه ۱۲

نبردهای درون حزبی، از اهتمام مردم به احزاب بزرگ سنتی در هند کاسته است. برخی از طرفداران بهاراتیاجاناتا از احزاب بزرگ سرخورده‌اند و نسبت به عوام‌فریبان افراطی دچار این توهم‌اند که شاید این نیروی سیاسی تازه سر برآورده، تحولی ایجاد کند. این، یک توهم خطرناک است. اگر بهاراتیاجاناتا به قدرت برسد، سیاستی شوونیستی به اجرا خواهد گذاشت که راس آن

افغانستان؛ توافق جدید صلح نیز شکننده است

ادامه از صفحه ۱۲

فرامین اتخاذ کرده است خارج از چارچوب قانون اساسی روسیه ارزیابی شده است. کنگره درخواست یلتسین برای برگزاری همه‌پرسی را رد کرد. جریان اجلاس فوق‌العاده کنگره نمایندگان و نتایج آن بحران در دولت روسیه را تشدید کرد در همین حال که موقعیت تضعیف شده یلتسین را بیش از

نبردهای درون حزبی، از اهتمام مردم به احزاب بزرگ سنتی در هند کاسته است. برخی از طرفداران بهاراتیاجاناتا از احزاب بزرگ سرخورده‌اند و نسبت به عوام‌فریبان افراطی دچار این توهم‌اند که شاید این نیروی سیاسی تازه سر برآورده، تحولی ایجاد کند. این، یک توهم خطرناک است. اگر بهاراتیاجاناتا به قدرت برسد، سیاستی شوونیستی به اجرا خواهد گذاشت که راس آن

فرامین اتخاذ کرده است خارج از چارچوب قانون اساسی روسیه ارزیابی شده است. کنگره درخواست یلتسین برای برگزاری همه‌پرسی را رد کرد. جریان اجلاس فوق‌العاده کنگره نمایندگان و نتایج آن بحران در دولت روسیه را تشدید کرد در همین حال که موقعیت تضعیف شده یلتسین را بیش از

نبردهای درون حزبی، از اهتمام مردم به احزاب بزرگ سنتی در هند کاسته است. برخی از طرفداران بهاراتیاجاناتا از احزاب بزرگ سرخورده‌اند و نسبت به عوام‌فریبان افراطی دچار این توهم‌اند که شاید این نیروی سیاسی تازه سر برآورده، تحولی ایجاد کند. این، یک توهم خطرناک است. اگر بهاراتیاجاناتا به قدرت برسد، سیاستی شوونیستی به اجرا خواهد گذاشت که راس آن

فرامین اتخاذ کرده است خارج از چارچوب قانون اساسی روسیه ارزیابی شده است. کنگره درخواست یلتسین برای برگزاری همه‌پرسی را رد کرد. جریان اجلاس فوق‌العاده کنگره نمایندگان و نتایج آن بحران در دولت روسیه را تشدید کرد در همین حال که موقعیت تضعیف شده یلتسین را بیش از

روسیه بپا خواهد خاست

ادامه از صفحه ۹

در آورده، خطای برآورد خطرناکی را مرتکب شده است. اکنون دیگر کشور دیگرگونه است؛ دیگر آن کشور سابق نیست. اشپیکل: روسیه به مدت سه نسل میدان تجربه سوسیالیسم دولتی بود. چرا درست روسیه: این صرفاً یک اتفاق تاریخی بود یا پیش‌شرطی ملی نیز برای این رویداد وجود داشت؟ گارباچف: نباید این امر را مرور دید، بلکه سال ۱۹۱۷ را در زمینه واقعی آن باید قرار داد و آن‌گاه از خود پرسید که آنجا چه خبر بود، و هم چنین در آلمان، و چرا در کشور ما - متفاوت از کشور شما بلشویک‌ها به قدرت رسیدند؟ زیرا این آلترا توتوری برای دیکتاتوری نظامی بود. اشپیکل: و هیچ سنت دموکراتیکی وجود نداشت. گارباچف: این که ما از نظر فرهنگ سیاسی تقریباً چیزی جز حکومت مطلقه و استبداد تزارها در دسترس نداشتیم به استثنای یاری رساند، گرچه سنن آزادیخواهانه - دمکراتیک در میان مردم وجود داشت، ولی دستگاه دولتی دموکراتیک، انتخابات و پارتیک پارلمانی تنها در ابتدائی‌ترین مراحل قرار داشتند. اشپیکل: پس بر این اساس انقلاب اکتبر و بیش از ۷۰ سال کمونیسم نتواراه روسیه تادموکراسی را قطع کرده‌اند، بی اینکه خودیاری‌گر این راه باشند؟ گارباچف: من نمی‌خواهم روی این هفت ده و نیم، به عنوان دوره‌ای که در آن هیچ اثری از عدالت مثبت دموکراتیک و هیچ اثری از آزادی و عدالت اجتماعی وجود نداشته است، خط بکشم. بسیاری از کارهایی که در اینجا مشخصاً در زمینه اجتماعی انجام شد، بعدها توسط جهان

دیگر پذیرفته شد: آموزش و خدمات در مانی رابکان، امنیت اجتماعی و چیزهای دیگر. اشپیکل: شاید شما هنوز کمونیست باقی مانده‌اید؟ گارباچف: من تنها می‌گویم که در آنجا چیزهایی وجود داشتند که نباید فراموش شوند و مردم نیز نمی‌خواهند از آنها صرف نظر کنند. اشپیکل: جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل مرده است. قدراسیون جدیدی از جمهوری‌های اسلاو و به تدریج از دوستان آنها، شکل می‌گیرد. این کنفدراسیون جدید در پی مدبری است که کارایی خود را اثبات کرده و قاتر باشد. میلیون‌ها راز از خارج جلب کند - و یک فرد خوشبین باشد. آیا این پیش‌بینی شماست؟ گارباچف: مسئله اصلی این است که چنین کنفدراسیونی شکل می‌گیرد. به هر حال یک رهبر پیدا خواهد شد. اشپیکل: نام او را بگوئید. گارباچف: برای من اهمیت بسیاری دارد، که او از یک نسل جدید سیاسی منشا بگیرد. اینها افرادی خواهند بود که دیگر تحت فشار گذشته نقش نیافته‌اند، بلکه برای مسائل تمدن نوین جهانی درک بهتری دارند. یکی از مهمترین وظایف موسسه من حمایت از این نسل سیاسی است. یک جامعه هنگامی پخته است که قادر باشد نسل جانشین مورد نیاز برای حل مسائل خود را تربیت کند. اشپیکل: پس شما از حالا رئیس جمهور آینده چنین کنفدراسیونی را می‌شناسید؟ گارباچف: من حداقل چند کاندیدایی را امید می‌شناسم. اشپیکل: می‌خائیل سرگیویچ از شما به خاطر این گفتگو سپاسگزاریم.

چرخش سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به سود اسرائیل؟

ادامه از صفحه ۱۲

کشورهای عرب، به وزیر خارجه آمریکا اطلاع داده‌اند که در مورد مسئله تبعیدی‌ها، تادربه نشان دادن انعطاف زیادی نیستند. درست است که این دولت‌ها علاقه‌ای به تقویت حماس ندارند، و این نیز درست است که بنیادگرایان اسلامی بیش از اسرائیل، دولت‌های عرب را تهدید می‌کنند، اما کدام کشور عربی است که حاضر باشد مهر تأیید بر اخراج فلسطینی‌ها از خانه و کاشانه‌شان توسط اسرائیل بگذارد و یا خودداری اسرائیل از اجرای یک قطعنامه شورای امنیت را بپذیرد؟ وزیر خارجه آمریکا طی سفر اخیر خود به اسرائیل، بر "مناسبات ویژه" میان دو کشور تأکید کرد و کوشید در ملامت وجود هرگونه اختلاف نظر میان دو دولت را تکذیب کند. کریستوفر در اسرائیل در پاسخ به

این سؤال خبرنگاران که اسرائیل برای بازگرداندن فلسطینی‌ها به مذاکرات صلح چه باید بکند، گفت این بر عهده فلسطینی‌هاست که وظیفه خود را در روند صلح دریابند. وی افزود: "من خود را موظف نمی‌دانم به اسرائیلی‌ها برای انجام کاری اعمال فشار کنم." این موضع آمریکا، اهراب رانگران کرده است. تجربه نشان داده است هرگاه اسرائیل مطمئن باشد از جانب ایالات متحده فشاری محتمل نخواهد شد، در مقابل اهراب عقب نشینی نخواهد کرد. هفته گذشته، هیات نمایندگی فلسطینی‌ها در مذاکرات صلح، بار دیگر اعلام کرد که تا وقتی همه فلسطینی‌های تبعیدی متهم به عضویت در حماس امکان بازگشت نیابند، به پای میز مذاکره باز نخواهد گشت.

دموکراسی هند مور د تهدید هندوهای افراطی است

روسیه؛ دیکتاتوری فردی

یادموکراسی پارلمانی؟



یلتسین و خاسبولاتف، دو رقیب در سیاست روسیه

بودن حزب کمونیست، آغازگر روند سریع بازسازی این حزب شد. اکنون حزب کمونیست در سیاست روسیه حضور فعال دارد. در آستانه برگزاری اجلاس اخیر کنگره، کمونیستها خواهان انتقال همه اختیارات ویژه رئیس جمهور به نخست وزیر شدند. از دیگر خواستههای کمونیستها، این است که نخست وزیر باید یک کابینه ائتلافی تشکیل دهد که مورد حمایت اکثریت پارلمان باشد.

بدین ترتیب، یلتسین و طرفدارانش با فشاری بر ایجاد یک سیستم سیاسی متکی بر اختیارات گسترده رئیس جمهور، دچار انزوا شده‌اند. با این حال، تجارب سالها و ماههای اخیر نشان می‌دهد که در کنگره نمایندگان خلق و در پارلمان، صف‌آرایی‌ها بسیار متغیر و ناپایدار است. اشخاص به سرعت تغییر موضع می‌دهند. تصمیم‌گیری‌های اصلی در پشت پرده و طی معاملات پنهانی انجام می‌گیرد. مهره‌های کلیدی مانند روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان و الکساندر روتسکوی معاون یلتسین، که هر دو از سیاستمداران نزدیک به "اتحاد شهروندان" محسوب می‌شوند، گاه بیش از احزاب سیاسی نفوذ و تأثیر دارند. ارهاب و تطمیع، در چنین فضایی سلاح‌های برنده‌ای محسوب می‌شوند.

یلتسین در کاربرد هردوی این سلاح‌ها مهارت خاصی دارد. در اجلاس ماه دسامبر کنگره، وی با برکناری حیدر و دادن پست نخست وزیری به نماینده جناح میانی، جلوی کاستن از اختیارات خود را گرفت. در آستانه اجلاس هفته گذشته، رئیس جمهور روسیه به سلاح تهدید متوسل شد. وی گفت اگر کنگره با برگزاری فراندوم در ماه آوریل مخالفت کند و تهدیدیک ساله اختیارات او را نیز نپذیرد، راسا همه پرس‌را برگزار خواهد کرد. یلتسین افزود "یک راه حل دیگر هم وجود دارد که نمی‌خواهم درباره آن سخن بگویم". جای تردیدی

هفته گذشته نمایندگان خلق روسیه بار دیگر تشکیل جلسه داد تا به بحث و تصمیم‌گیری پیرامون بحران دولت این کشور بپردازد. اختلافی که اکنون در روسیه "بحران دولت" یا "بحران قانون اساسی" نام گرفته است، حول این نکته متمرکز است که قدرت اصلی باید در دست رئیس جمهور باشد یا پارلمان؟ در یکسو، یلتسین قرار دارد که می‌خواهد با برگزاری یک فراندوم، قانون اساسی روسیه را به ضرر شورای عالی (پارلمان) و در جهت افزایش اختیارات خود تغییر دهد. از سوی دیگر، اکثریت نمایندگان شورای عالی و نیز کنگره نمایندگان خلق که شورای عالی را از میان خود برمی‌گزیند، مخالف افزایش اختیارات رئیس جمهورند و معتقدند تا همین اندازه نیز که یلتسین تا کنون اختیارات ویژه کسب کرده است، زیاده روی است. واقعیت نیز این است که یلتسین تاکنون هم‌لا به اتکالی "فرامین" حکومت کرده و تصمیماتی را راسا اتخاذ نموده است که در کشورهای دموکراتیک معمولاً در اختیار پارلمان است. در ورای این بحث حقوقی، یک صف آرای سیاسی آشکار وجود دارد. اکنون در روسیه می‌توان سه نیروی سیاسی همدم را از هم تشخیص داد:

* طرفداران تبدیل سریع روسیه به یک کشور سرمایه‌داری با همه مشخصات آن، در ائتلافی از ۸۱ حزب و گروه سیاسی موسوم به "اتحاد دموکراتیک" گرد آمده‌اند و از افزایش اختیارات یلتسین پشتیبانی می‌کنند.

* مدافعین گذار آرام‌تر به سرمایه‌داری، در ائتلافی بنام "اتحاد شهروندان" متشکل شده‌اند. یک نیروی همدم در این ائتلاف را مدیران صنایع روسیه تشکیل می‌دهند که خواست اصلی آنها، کاستن از آنگک خصوصی کردن اقتصاد روسیه و کمک دولت به کارخانه‌های دولتی است. از سیاستمداران ذی نفوذ این جناح، آرکادی ولسکی است که یلتسین پیش از برگزاری اجلاس قبلی کنگره نمایندگان خلق در ماه دسامبر، با او در مورد برکناری یگور حیدر نخست‌وزیر پیشین به توافق رسید و در نتیجه این توافق، ویکتور چرنومیردین رئیس شرکت گاز همدمدار ریاست دولت شد. گفته می‌شود "اتحاد شهروندان" بیش از سایر نیروهای سیاسی در کنگره نمایندگان خلق و شورای عالی رای دارد و از این رو، یلتسین ناچار به دادن امتیاز به این نیرو شده است. اخیراً یکی از رهبران "اتحاد شهروندان" یلتسین را متهم به خلف وعده کرد و گفت کابینه چرنومیردین بر اثر اعمال نفوذ یلتسین تاکنون نتوانسته است کار هادی خود را آغاز کند. این مقام "اتحاد شهروندان" افزود دولت جدید روسیه به خاطر ادامه حضور اعضای کابینه حیدر در آن، فلج شده است.

* حکم اخیر دادگاه قانون اساسی روسیه مبنی بر قانونی

اکثریت داشت، منحل کرده است. در این چهار ایالت، طبق قانون انتخابات مجدد باید در سال ۱۹۹۳ برگزار شود. نظرخواهی‌ها نشان می‌دهد هم در این ایالات و هم در سراسر هند، اگر رای‌گیری هم اکنون برگزار شود افراطی‌ها پیروز خواهند شد. دوره فعلی پارلمان مرکزی هند تا سال ۱۹۹۶ است اما یکی از خواسته‌های افراطیون این است که انتخابات این مجلس نیز بطور زودرس برگزار شود. برخی مخالفان راثو در درون حزب کنگره می‌گویند نخست‌وزیر هند در ماه‌های گذشته در برابر افراطیون و اعمال قهر از سوی آنها، قاطعیت لازم را از خود نشان نداده و بیش از حد به بهاراتیاجاناتا مجال مانور داده است. آرجون سینگ یکی از اعضای کابینه راثو معتقد است مسلمانان هند که از هنگام استقلال این کشور در سال ۱۹۴۷ بطور سنتی در انتخابات به حزب لائیک کنگره رای داده‌اند، بر اثر وقایع آذرماه که طی آن نیروهای دولتی اقدام موثری علیه افراطیون انجام ندادند، بی‌اعتماد شده‌اند. سینگ می‌افزاید راثو فاقد یک استراتژی برای متوقف کردن دست درازی بنیادگرایان به سوی

ادامه در صفحه ۱۱

خبرهای رسیده حاکی از آنست که در مرکز مالی، صنعتی بمبئی بر اثر انفجار بمب حداقل ۲۵۰ نفر کشته و ۶۰۰ نفر زخمی و چندین خانه ویران و تعدادی اتومبیل منهدم گردیدند. دولت این انفجار را به عوامل خارجی نسبت داده است. برخی محافل سیاسی هند انفجار بمب را کار افراطیون هند می‌دانند. تشدید فعالیت هندوهای افراطی، مرصه را بر دولت ناراسیما راثو نخست وزیر هند تنگ کرده است. رئیس دولت مرکزی هند مجلس محلی در چهار ایالت را که بهاراتیاجاناتا در آن



هندوهای افراطی مبلغ نفرت و عدم تحمل مذهبی‌اند.

بهاراتیا به پایتخت هند، نقاط حساس شهر را تحت کنترل خود درآوردند. وقتی افراطیون کوشیدند از موانع ایجاد شده توسط پلیس بگذرند، نیروهای دولتی با ماشین‌های آب‌پاش، گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی تظاهرات آنها را پراکنده کردند. حدود هزار نفر از افراطیون، از جمله لال کریشنا ادوانی رهبر بهاراتیاجاناتا، دستگیر شدند. در پایان این روز، حزب حاکم کنگره هند تلاش افراطیون برای برگزاری تظاهرات را یک شکست و رسوایی کامل

در هند حزب افراطی بهاراتیا جاناتا به یورش جدیدی علیه دموکراسی دست زده است. این حزب که نیروی متعصب هندو را نمایندگی می‌کند، مبلغ نفرت مذهبی در قبال جامعه مسلمان هند است. پیروان اسلام، صدو بیست میلیون نفر از جمعیت هند را تشکیل می‌دهند. در آذرماه امسال، بدنال ماهیا کشمکش و درگیری، طرفداران بهاراتیا جاناتا مسجد چهارصدساله بابری را تحت این عنوان که بر ویرانه یک معبد هندو ساخته شده است، با خاک یکسان کردند. در اوایل اسفند، تلاش بهاراتیاجاناتا برای برگزاری یک تظاهرات میلیونی در دهلی نو با دخالت ۶۰ هزار نفر از نیروهای پلیس و ارتش هند عقیم ماند. با این حال، تردیدی نیست که هندوهای افراطی به تلاش خود برای تحمیل خطمشی تبعیض‌آمیز و فاشیست مآبانه در قبال مسلمانان به جامعه هند ادامه خواهند داد.

از هنگام تخریب مسجد بابری، درگیری‌ها میان هندوهای افراطی و مسلمانان، بیش از دو هزار تن کشته بر جای نهاده است. بر چنین زمینه‌ای بود که وزیر کشور هند، تظاهرات چهارم اسفند حزب بهاراتیاجاناتا در دهلی نو را به هلت "خطرات بالقوه" آن ممنوع اعلام کرد. دهها هزار مامور پلیس مسلح به مسلسل، قبل از ورود طرفداران

افغانستان؛

توافق جدید صلح نیز شکننده است

نزدیک به یک سال پس از برکناری دولت نجیب‌الله در افغانستان، رهبران گروه‌های مجاهدین این کشور توافق کردند به جنگ خونین قدرت پایان دهند. بدنال پنج روز مذاکره به میانجی‌گری پاکستان، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی، روز یکشنبه ۲۶ اسفند ماه رهبران ده سازمان سیاسی، موافقت‌نامه صلحی را که پیش از آن به تأیید طرف‌های اصلی جنگ رسیده بود، پذیرفتند.

یک سخنگوی برهان‌الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان اظهار داشت توافق مزبور بدنال یک اجلاس طولانی شبانه در اسلام‌آباد پایتخت پاکستان بدست آمد. از نکات اصلی موافقت‌نامه این است که ربانی کماکان رئیس جمهور باشد و رقیب او، گلبدین حکمت‌یار، رهبر حزب اسلامی، تا برگزاری انتخابات چند حزبی ریاست دولت موقت جدید را بعهده گیرد. در توافق اسلام‌آباد، نقش آتی احمد شاه مسعود وزیر دفاع فعلی در دولت موقت روشن نیست.

توافق جدید از آن رو حائز اهمیت است که حکمت‌یار از هنگام روی کار آمدن ربانی دولت کابل را به رسمیت نمی‌شناخت. در نبردهایی که از هنگام برکناری نجیب‌الله در فروردین ۱۳۷۱ تاکنون میان مخالفان رژیم گذشته در گرفته است، حداقل ۵

چرخش سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

به سو داسر ائیل؟

با گذشت دو ماه از روی کار آمدن دولت کلینتون در آمریکا، چه نظر می‌رسد پیش‌بینی‌هایی که از چرخش سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به سود اسرائیل در صورت پیروزی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده حکایت می‌کرد، تحقق یافته است. اخبار و شواهد هفته‌های اخیر نشان می‌دهد دیگر از سوی واشنگتن به دولت اسرائیل فشاری برای نشان دادن انعطاف بیشتر در مقابل اعراب وارد نمی‌آید.

نخستین مورد حاکی از جهت‌گیری بیشتر آمریکا به سود اسرائیل، موضع وارن کریستوفر وزیر خارجه دولت کلینتون در قبال اخراج فیر قانونی بیش از چهار صد فلسطینی توسط اسرائیل بود. در حالی که دولت بوش این اقدام را محکوم کرد و در شورای امنیت سازمان ملل نیز بر خلاف رویه معمول آمریکا به محکومیت اسرائیل رای داد، کریستوفر از آغاز موضع آشتی‌جویانه‌ای در مورد این رفتار اسرائیل گرفت. وزیر خارجه آمریکا بدون اینکه با کشورهای عربی تبادل نظر کند، توافق خود با اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل مبنی بر لغو اخراج ۱۵۱ نفر از فلسطینی‌های تبعیدی و صدور اجازه بازگشت مابقی این همه تا پایان سال ۱۹۹۳ را اعلام کرد. این در حالی بود که قطعنامه شورای امنیت که ایالات متحده

نیز به آن رای داده بود، اسرائیل را به بازگرداندن فوری چهار صد فلسطینی اخراج شده فرا می‌خواند.

اقدام یکجانبه وارن کریستوفر، حتی واکنش دولت‌های عرب متحد آمریکا را بر انگیزت. به گزارش مطبوعات ایالات متحده، سفیر عربستان در واشنگتن طی دیداری با رئیس دیپلماسی دولت کلینتون، به وی گفت: "وقتی ما را در برابر عمل انجام شده قرار می‌دهید، دیگر برای ما کمک کردن به شما جهت جلب موافقت سایرین با آن ممکن نیست." عربستان سعودی، سوریه و سایر دولت‌های عرب طرف مذاکره اسرائیل با پیشنهاد اسحاق رابین مخالفت کردند، در حالی که کریستوفر امیدوار بود عقب نشینی جزئی اسرائیل، اعراب را وادار به بازگشت به پای مذاکره کند.

هفته‌نامه نیوزویک به نقل از یک دیپلمات عرب می‌نویسد: "آنچه ما را آزار می‌دهد، هلیرقم کافی نبودن پیشنهاد اسرائیل، نفس چنین پیشنهادی نیست. ما از این امر ناراحتیم که به نظر می‌رسد کریستوفر بیش از حد مغفلانه، بیش از حد پذیرای محدودیت‌های تعیین شده توسط اسرائیلی‌ها، و بیش از حد پذیرای تحلیل اسرائیل

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه در صفحه ۱۱